

طبقه کارگر بپا می خیزد

هستند. سرمایه داران با دست آویز قرار دادن بحران، کارگران را گروه، گروه اخراج میکنند. کارگرانی که در برای اخراج ها دست به مقاومت زده اند، با کاهش دستمزد و مزایا روپرداخت نموده اند. در برخی موارد، چنین ماه است که دستمزد و مزایای کارگران پرداخت نشده است. بحران مالی دولت نیز بر خامت وضعیت کارگران افزوده است. با تعطیلی تعدادی از پروژه های تولیدی، خدماتی و عمرانی دولت، کارگرانی که در این پروژه ها مشغول به کار بوده اند، اخراج میشوند.

در حالیکه دستمزد واقعی کارگران در سالهای اخیر پیوسته کاهش یافته است، اکنون دولت میکوشد بار بحران مالی و روشکستگی خود را نیز بر دوش کارگران و زحمتکشان بیاندازد. مالیاتهای غیر مستقیم را شدیداً افزایش داده است. طی چند ماه اخیر بهای کالاهای خدماتی که در انحصار دولت اند باز هم افزایش یافته اند. این افزایش نه تنها مستقیماً به کاهش دستمزد واقعی کارگران و تقلیل سطح معیشت آنها انجامیده، بلکه با یکشته تاثیرات زنجیره ای باعث افزایش قیمت کالاهای دیگر نیز شده و نرخ تورم را مجدداً بالا برده است. در همین حال دولت سوسیسیه برخی مایحتاج روز مرد زحمتکشان را نیز قطع نموده است. تمام این اتفاقات منجر به خامت باز هم بیشتر وضعیت مادی و معیشتی کارگران و شرایطی در میان آنها شده است. طبیعی است که تحت چنین شرایطی، کارگران در ابعادی گسترده تر به مبارزه علیه

صفحه ۲

در این شماره

صفحه ۷	خبری از ایران
صفحه ۱۱	خبر کارگری جهان
صفحه ۱۶	یدداشت‌های سیاسی
صفحه ۹	برگزیده ای از نامه های رسیده
صفحه ۴	اطلاعیه ها
صفحه ۴	کمکهای مالی
صفحه ۱۳	تدایر حکومتی در به تعویق افکنند
صفحه ۱۳	استقرار دمکراسی و آزادی

بس وسیع و مخربی به خود گرفته است. تشیید بحران اقتصادی، وضعیت مادی و معیشتی طبقه کارگر را به متنهای درجه و خیم نموده است. این حقیقت بر همگان روشن است که در چندین سال گذشته نیز، طبقه کارگر ایران با فقر مطلق روپرداخت نموده، بطری مداوم سطح زندگی کارگران تنزل نموده و آنها تنها با تباہی جسم و روح خود و تن داد به اضافه کاری های کمر شکن به دشواری توانسته اند زندگی روز مرد خود را ریلگرانند.

با تشیید بحران اقتصادی، وضعیت طبقه کارگر از این هم وخیم تر شده است. این تشیید بحران اقتصادی اثرات و خیم چند جانبه ای بر طبقه کارگر ایران و شرایط مادی و معیشتی آن بر جای گذاشده است.

بحaran اقتصادی که با ور شکستگی مالی دولت همراه شده است، رکود در کارخانه ها و دیگر موسسات تولیدی را تشیید کرده است. در برخی از موسسات، تولید کاهش یافته و با ظرفیتی محبوط به کار خود ادامه میگند و برخی دیگر نیز اساساً تعطیل شده و با در شرف تعطیلی

دامنه اعتراضات در صفووف کارگران ایران هردم افزایش می یابد و تعداد همواره افزون تری به نبرد علني برای تحقیق مطالبات خود برمیخیزند. طی چند هفته اخیر، اعتضابات و اعتراضات متعددی در کارخانه ها و دیگر موسسات رخ داده است. کمتر روزی است که خبر اعتضاب در یک یا چند کارخانه منتشر نگردد. مطالبات کارگران هنوز در لین مرحله عملنا اقتصادی است. عمومی ترین مطالبه، افزایش دستمزد است. در رده دوم، پرداخت دستمزدهای معوقه، توقف اخراج ها، اجرای طرح طبقه بنی مشاغل، و مشکلات مسکن ساختار قرار گرفته است. در همین حال بیکاران نیز به پا خاسته اند. میلیونها بیکاری که پراکنده و فاقد تشکل اند، با ابتکار خویش راهی برای مبارزه بالنسبه مشکل تر پیما کرده اند. آنها در شهرهای مختلف در برابر اداره های کار، اجتماع میکنند و خواهان کار میشوند. رشد و کنترل مبارزه کارگران در چند ماه اخیر در وهله نخست با بحران اقتصادی مرتبط است که اکنون ابعاد

دست طالبان از آستین مجلس!

مراحل از مرحله معاینه و تشخیص بیماری، تا درمان و جایگاهی بیماران بیستی توسط کارکنان همجننس صورت بگیرد. در ماده ۵ این طرح آمده است «اقدامات تشخیصی، درمانی، جایگاهی بیماران وغیره باید توسط کارکنان همجننس بعمل آید». در این طرح همچنین مدیران بیمارستانها و واحدهای بهداشتی، رئیسای دانشگاهها و دانشکده های علم پزشکی، مسئول حسن اجرای این قانون شناخته شده ویرای متخلفین از آن، مجازاتهای چندگانه ای از جریمه نقلی و پرکاری مسئولین تا تعطیل موسسه مربوطه در نظر گرفته شده است.

این طرح عمیقاً ارتجاعی که بخوبی پرده از مکونات قلبی تصویب کنندگان آن وسایر مرتجلین و مدافعين حکومت اسلامی بر میلاردو خواست طالبانی اینها در پیاده کردن موازن شرع یعنی در به قهقهه کشاندن بیش از پیش جامعه بخوبی به نمایش میگذارد، اعتراضات ۳ صفحه

مجلس شورای اسلامی اخیراً طرحی را در شور اول خود بنام «طرح انطباق امور اداری و فنی موسسات پزشکی با موازن شرع مجلس» به تصویب رسانده است. این طرح که قرار است سه ماه پس از شور اول در شور دوم مجلس مراحل تصویب نهانی خود را طی کند و بمثله یک قانون به مرحله اجرا در بیاید، مشتمل بر ۸ ماده است وکیله موسسات پزشکی نظیر بیمارستان ها، آزمایشگاهها، وسایر موسسات پزشکی، درمانی و پا آموزش پزشکی، اعم از بخش خصوصی وبا دولتی را در بر میگیرد. برطبق مفاد این طرح، علاوه بر آنکه بازدیگر کارکنان زن و مرد واحدهای مشمول این طرح همچنین شرعاً، اخلاقی و عرفی جامعه اسلامی در روابط کاری با یکیگر و در برخورد با بیماران وسایر مراجعین» شده اند، جدا سازی زنان و مردان در این بخش ها نیز امری اجباری تلقی گشته و اینطور قید شده است که کلیه

طبقه کارگر پا می خیزد

پیگیری تمام این خواست را مطرح کنوبیه کرسی بنشاند، چرا که منافع خود طبقه کارگر در برقراری آزادیهای سیاسی در کامل ترین و پیگیرترین شکل آنست. اگر منافع اقشار وطبقات دیگر بخاطر حفظ نظم موجود در محلودیت این آزادیها است، طبقه کارگر که با تمام نظم موجود دشمنی آشنا نباید دارد، نه تنها پیگیر ترین مدافع آزادیهای سیاسی است، بلکه از کامل ترین و پیگیر ترین شکل دمکراسی که متضمن اعمال حاکمیت مستقیم از سوی خود توده های مردم یعنی دمکراسی شورایی است، دفاع میکند. طبقه کارگر در این زمینه نیز از آن رو از همه طبقات و اقشار پیگیر تراست، که هدفش چیزی فراتر از نظم موجود است، یعنی طبقه کارگر از آن رو طالب کامل ترین و پیگیر ترین دمکراسی است که خواهان دکر گونی اجتماعی یعنی انقلاب در نظم اقتصادی - اجتماعی موجود و برانداختن نظام سرمایه داری است.

بنابراین واضح است که چرا ارتقاء مبارزه طبقه کارگر به سطح یک مبارزه سیاسی که در اوضاع کننی احتمال آن زیاد است، به معنای مرحله کیفا نوبنی در مبارزات مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی وتحقیق خواست های آنهاست. این رشد وارتقاء مبارزه طبقه کارگر از هم اکنون نه تنها وحشت و هراس دسته جات حاکم بلکه حتی اپوزیسیونهای بورژوازی که تمام امیدشان را به خاتمی بسته وهمه را به حمایت از او فرا میبخانند، برانگیخته است. لذا مرجعین تلاش خواهند کرد که با توسل به ابزارهای مختلف برسراه ارتقاء جنبش طبقه کارگر مانع ایجاد کنند، اما طبقه کارگر که با گامهای وزین وستجده به حرکت در آمد است، این تلاشهای ارجاعی را درهم خواهد شکست وبا هدایت مبارزه مردم ایران به فرجم پیروزمندش، طومار حکومت اسلامی را درهم خواهد پیچید.

پیوندند. فراتر رفتن این جنبش از مرحله کنونی به یک مرحله کیفا جلید، از یک سو ولایته به رشد وگسترش بحران سیاسی و از سوی دیگر حضور گردان های پیشاوهنگ و آگاه تر طبقه کارگر نظریه کارگران صنعت نفت، ماشین سازی ها و ذوب فلزات است که اساسا مبارزه مردم ایران را علیه رژیم جمهوری اسلامی وارد مرحله نوبنی خواهد ساخت. چرا که ابتکار عمل را از دست گروههای فعلاً فعل صحنه سیاسی بیرون خواهد آورد و مطالبات سیاسی و اجتماعی را در سطحی نوبن مطرح خواهد ساخت. سوای جنبش های توده ای، دسته جاتی که امروز در صحنه سیاسی فعالند، خواه آنان که مستقیما در حاکمیت سهیم اند وبا آنها که اپوزیسیون قانونی و نیمه قانونی آن را تشکیل میهند، نه خواهان دگرگونی نظم موجوداند ونه حتی تغییر نظام سیاسی موجود. آنها در اساس خواهان حفظ نظم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود اند، اما به درجات مختلف خواهان اصلاحاتی در سیستم سیاسی موجوداند. درنهایت، «رادیکال ترین» لین جربات چیزی که میخواهند، اصلاحاتی در قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی و محدود کردن اختیارات ولی فقیه و ارکانها ونهادهای واپسی به آن است. ایضاً «رادیکال ترین» این جربات وحتی برخی اپوزیسیونهای غیر قانونی بورژوازی، چیزی جز این نمیخواهند که آزادیهای فردی وسیاسی در چارچوب جمهوری اسلامی یعنی به شکل کاملاً محقق وسروdom برپیده آن رعایت شود. روشن است که خواست اکثریت بسیار عظیم مردم ایران، در این محدوده نیست. توده مردم ایران خواهان استقرار حکومتی هستند که بطور کامل و جامع آزادیهای سیاسی را به رسیت بشناسند. طبقه کارگر تنها نیروی است که میتواند با این وضعیت و تحقق مطالبات خود بر خیزند و جنبش کارگری رشد واعتلاء یابد. اما این رشد واعتلاء، جنبش کارگری تنها با بحران اقتصادی مرتبط نیست، و در شرایط یک بحران اقتصادی معمولی صورت نمیگیرد بلکه در بطن یک بحران سیاسی شکل گرفته است. لذا هرچند که مطالبات طبقه کارگر هنوز اقتصادی اند وجنبه صنفی ورفاهی دارند، اما رایطه این مبارزه را با بحران سیاسی و به عنوان پیش درآمدی بر مطالبات سیاسی و مبارزه سیاسی طبقه کارگر نباید از نظر دور داشت.

این از منطق حرکت طبقه کارگر ناشی میگردد که جنبش خود را با مطالبات اقتصادی و مبارزه اقتصادی آغاز کند ودر پروسه این حرکت، مبارزه اش با خواستهای عملتی سیاسی، به مبارزه ای سیاسی تبدیل گردد. نمونه مشخص این منطق درونی جنبش طبقه کارگر را در دوران بحران سیاسی سال ۵۷ و مبارزه ای که به سرنگونی رژیم شاه انجامید دیده ایم. در آنچه نیز طبقه کارگر در آغاز با مطالبات عملتی اقتصادی قلم به میدان نهاد. اما در شرایط بحران سیاسی، این مبارزه سریعاً به مبارزه ای سراسری و سیاسی با مطالبات عملتی سیاسی تبدیل گردید. چشم اندازی هم که اکنون در برایر جنبش کنونی طبقه کارگر ایران قرار دارد، همین است، مگر آنکه عوامل دیگر و بازدارنده ای در لینجا وارد شوند و جنبش طبقه کارگر با توجه به مجموع اوضاع اقتصادی وسیاسی کنونی با اعتلا روز افزون همراه خواهد بود. همانگونه که افزایش مدام حرفکتهای کارگری اخیر به صورت اعتصاب، اجتماع، تحصن و حتى راهپیمانی وتظاهرات نشان میهند، تعناد هرچه وسیع تری از کارگران رسته های مختلف به این جنبش می

سازماندهی این جنبش به کار بردن. در جوانان کنگره پاریس و سپس آمستردام، کنفرانس نمایندگان جوانان نیز برگزار گردید و در ادامه این کنفرانس هاست که در ۱۹۰۷ انتربالیونال جوانان سوسیالیست تشکیل گردید.

تشکلهای جوانان کارگر و سوسیالیست که در ارتباط با احزاب سوسیالیست قرار داشتند، نقش مهمی در آموزش کارگران جوان، سازماندهی توده های وسیع جوانان علیه جنگ و ملیتاریسم و مبارزه اسلامی علیه نظام سرمایه داری ایفا نمودند. علاوه بر تشکلهایی که از آنها نام برده شد، یک مجموعه از سازمانهای فرهنگی و آموزشی طبقه کارگر نیز شکل گرفتند که سهم مهمی در ارتقاء سطح اکامی کارگران بر عهده داشتند.

ادامه دارد

منابع :

۲۶، ۲۷، ۳۲، تاریخ مختصر جنبش اتحادیه ای، ویلیام فاستر ۳۰، انتربالیونال دوم ایگور و گوز

که قبلاً دیلیم، نخستین گام جدی در راستای برطرف کردن این ضعف و لیجاد سازمانهای زنان پرولتاری در جریان کنفرانس لندن صورت گرفت و با تشکیل اولین کنفرانس زنان سوسیالیست، اقدامات عملی برای سازماندهی زنان کارگر و ایجاد تشکلهای مستقل از فی مینیسم بورژوازی صورت گرفت. سازمانهای جوانان کارگر و سوسیالیست نیز یکی دیگر از تشکلهای توده ای کارگری بود که در این مرحله از رشد قابل ملاحظه ای پرخوردار شدند. نخستین سازمانهای جوانان در بلژیک و هلند در اوسط دهه هشتاد قرن نوزدهم شکل گرفتند. جوانان کارگر که در معرض استثمار وحشیانه ای قرار داشتند با نفرت بیکران نسبت به نظم موجود به گارد جوان تحت نفوذ رادیکال بودند. در بلژیک تشکل جوانان کارگر موسوم به گاردن شیلدزا نفرت بیکران نسبت به نظم موجود به گارد جوان تحت نفوذ حزب سوسیالیست قرار داشت اما در هلند که گریشات آثارشیستی در جنبش مسلط بود، تشکل جوانان تحت نفوذ سازمانهای آثارشیست شکل گرفت. در دهه ۹۰ در دیگر کشورهای اروپائی نیز سازمانهای مشابهی شکل گرفت. با افزایش روزافروزن خطر بوز جنگ، طیف گسترده تری از جوانان به مبارزه علیه ملیتاریسم و جنگ روی آوردن و جنبشهای خود انگیخته ای از جوانان شکل گرفت. لذا انتربالیونال دوم توجه بیشتری به جنبش جوانان کارگر در مبارزه علیه ملیتاریسم و جنگ مبذول داشت و احزاب سوسیالیست تلاش وسیع تری برای

دست طالبان از آستین مجلس!

موازین شرعی بکار بسته است. اولین بار در سال ۷۳ و بعد در سال ۷۵ آئین نامه طرح انطباق از طرف وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، جهت اجرا به داشتگاهها لبلغ کردید. طبق این آئین نامه طرح فوق می بیلستی در طی یک زمانبندی مدون در سه بخش، کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت اجرا شود. اما حتی به اعتراف مدافعين طرح مذکور، تمام این تلاشها همگی عبث از کار درآمد و هیچگونه توفیقی نصیب ارتجاع نشد!

اما علاوه بر موضع جناح خاتمی در قبال طرح ارتجاعی فوق و زایده مخالفت فعلی آنها با این طرح، مسئله دیگری که جا دارد در اینجا به آن اشاره کنیم، این است که صرف مطرح شدن موضوع زنانه و مردانه کردن مراکز و امور پزشکی و تصویب آن در مجلس ارتجاع بخودی خود نشان داد که حکومت اسلامی چیز زیادی از طالبان کم ندارد! چنین طرح هائی هم اکنون بخشا در افغانستان و حکومت طالبان اجرا میشود! راست لین است که به حکومت اسلامی اگر اجازه و میان داده شود، به زنانه و مردانه کردن اتویوس ها و مراکز درمانی ویمارستانها و امور پزشکی هم اکتفا نخواهد کرد؛ اوضاع اگر بر وفق مراد رئیس اسلامی بچرخد، این مقوله به عرصه پارک ها، سینماها، داشتگاهها، قطارها، فروشگاهها و گفته طنز آمیز یک خواننده روزنامه سلام، چه بسا به پیاده روها هم تعیین یابد!

حقیقت آن است که حکومت اسلامی اگر میتوانست و اگر شرایط به آن اجازه میداد، خواست قلبی و فطری اش این بود که از همان آغاز «موازین شرع مقس» را در این عرصه ها پیاده کند و شریعت اسلام را عینه برادران خود در افغانستان به مرحله اجرا در بیاورد! از بد شانسی حکومت اسلامی اما ایران افغانستان نیست! در آنجا اگر به جبر وزور خود را تحمل کرده است، در اینجا اما قادر به چنین کاری نیست. مخالفت مقاومت عمومی در برابر این طرح و در برابر ارتجاع حاکم، بار دیگر این حقیقت را ثابت میکند که شرایط جامعه منجمله درجه رشد و سطح مبارزه در ایران چنین طرح ها و ترفندهایی را نمی پنیدد و تراویث مغزی طالبان ها، با واقعیات جامعه، بیوژه با خواست اکثریت مردم به انتزاع قرن ها فاصله دارد! دست طالبان اگر چه امروز از آستین مجلس جمهوری اسلامی بیرون زده است، اما طالبان را در ایران شناس و زمینه ای نیست و مرجعین قبل از آنکه بخواهند ارتجاع واستبداد و فشار را مشدد کنند، مردم شریف و زحمتش ایران و همه آزادیخواهان نه فقط چنین دستی را از تن و کتف قطعنده میکنند که به ضریتی سهمگین، تمام پیکر گند زده ارتجاع حاکم را متلاشی میسازند.

موضوع را روشن میسازد که جناح قشری تر هیئت حاکمه، برغم رسوانی و شکستش در جریان انتخابات ریاست جمهوری، حاضر نیست به سادگی از موضع خویش عقب بنشیند ونه فقط نیخواهد عقب نشینی کند، چه بسا تعرضاتی را نیز به جناح رقیب خود که از جمله در نمونه کنارزدن شهردار تهران و عربده کشی های فرمانده سپاه پاسداران مبنی بر گردن زدن وزیان بربین و بسیج هروزه انصار حزب الله و نیز در طرح های این چنینی مجلس تجلی می یابد، سازمان داد تا ضمن ترسیم مخالفین و رقیبان، موضع جدی را نیز به تصرف خود در آورد!

معهذا بایستی خاطر نشان کرد که این فقط جناح شکست خوده نبود که با پیش کشیدن این طرح و تصویب آن، بار دیگر ماهیت عمیقاً ارتجاعی و خرافی و عمق تحریر خود را به نمایش میگذاشت. این موضوع در عین حال سبب گردید تا یکبار دیگر ماهیت ارتجاعی جناح آقای خاتمی و مدافعين وی نیز به نمایش گذاشته شود و یکبار دیگر هم این موضوع اثبات گردید که جناح های حکومتی برس جوهر حکومت اسلامی و ضرورت پیاده کردن احکام الهی و موازین شرعی و اسلامی متفق القولند. ولو آنکه برسسرعت و شیوه پیاده کردن این احکام و موازین هم با یکیگر اختلاف داشته باشند، جملگی اما مدافعان حکومت دینی اند. کما اینکه جناح آقای خاتمی و طوفاران جامعه منی اش ولو آنکه نسبت به میزان پختگی وبا نپختگی طرح ایراده ای داشتند، اما با اصل قضیه هیچگونه مخالفتی نداشتند وهمه جا از ضرورت انتباط امور پزشکی با موازین شرعی دفاع کردند و البته که نمیتوانستند جایزن کنند و اگر اینها به مخالفت خواهی وقت زدن نسبت به طرح فوق برخاستند دلالی دیگر داشت. آنکه به این دلیل فعلاً موافق چنین طرحی نیستند که هم اکنون با فشار های اقتصادی مالی دارد و دولت را که هم اکنون با مخالفت خواهی وقت زدن نسبت به طرح اینجا که حتی برغم نظر صریح خامنه ای در اواخر اردیبهشت ماه و در تجمع دانشجویان که گفته بود اگر این طرح معنی آن است که ما میخواهیم موازین اسلامی را رعایت کنیم پس نه فقط «خوب»، «بلکه لازم است» طراحان اصلی آن، نه فقط به این مسئله رضیت دادند تا به پیشنهادات مخالفین این طرح توجه کنند واز احتمال تغییر وبا حذف بند ویندهایی از آن در شور دوم صحبت بیان آورند، بلکه همچنین مجبور شدند بحث پیرامون این مسئله را به جلسه غیرعلنی مجلس پکشانند تا از حساسیت های ایجاد شده در سطح جامعه بکاهند!

نفس طرح این قضیه در مجلس و تلاش جناح اکثیت آن برای به کریسی نشاندن نظر خود و تعیین هرچه بیشتر موازین شرعی و ارتجاعی به عرصه زندگی اجتماعی، آنهم درست زمانیکه فریاد «طالبان حیا کن مملکت رو رهاکن» درفضای کشور پیچیده است، یکبار دیگر این

بالنسبه وسیعی را در سطوح مختلف جامعه بیوژه در میان پزشکان و دانشجویان رشته پزشکی برانگیخت. بیش از ۴۰۰ تن از دانشجویان رشته های پزشکی دانشکده علوم پزشکی اصفهان، پزشکان و دانانپزشکان ظهر روز یکشنبه ۱۳ اردیبهشت با تجمع در مقابل دانشکده پزشکی اعتراض خود را نسبت به این طرح اعلام کردند. در تهران نیز ۱۲۰۰ تن از متخصصین رشته های مختلف پزشکی، در پلیان کنگره سراسری بیهوشی با صدور قطعنامه ای نسبت به این طرح اعتراض کردند. در مشهد و سیل شهرهای بزرگ نیز چنین اعتراضاتی صورت گرفت و همه جا تصویب چنین طرحی «احداث به جامعه پزشکی» تلقی گردید. علاوه بر این در سطح مطبوعات نیز مخالفت شیلیدی با این طرح برآمد. طوفاران خاتمی که تصویب چنین طرح هائی را سنگ لانزاری بر سر راه دولت و ضریبه به آن میدانند، تبلیغات گسترده ای را حول آن دامن زندن واز همین زاریه سعی در بسیج افکار عمومی کردند. از این ها مهمتر اینکه، طرح زنانه، مردانه کردن امور پزشکی با موج وسیعی از اعتراض مردم که در اشکال مختلفی تجلی مییافت رویرو گردید.

این مخالفت ها و تبلیغات گسترده، بر بستر مخالفت عمومی مردم با مترجمین حاکم و بیوژه با جناح قشری تر آن و نیروها و باندهایی که بی هیچ گونه ملاحظه ویا توجهی به واقعیت های امروز جامعه در صددند گشته را به همان سیاق گشته باز هم به مراحل عقب تری برانند، موجب آن شد که مدافعین این طرح در مجلس ویرون آن، کمی عقب بنشینند و عجالتا آرام بگیرند! تا آنجا که حتی برغم نظر صریح خامنه ای در اواخر اردیبهشت ماه و در تجمع دانشجویان که گفته بود اگر این طرح معنی آن است که ما میخواهیم موازین اسلامی را رعایت کنیم پس نه فقط «خوب»، «بلکه لازم است» طراحان اصلی آن، نه فقط به این مسئله رضیت دادند تا به پیشنهادات مخالفین این طرح توجه کنند واز احتمال تغییر وبا حذف بند ویندهایی از آن در شور دوم صحبت بیان آورند، بلکه همچنین مجبور شدند بحث پیرامون این مسئله را به جلسه غیرعلنی مجلس پکشانند تا از حساسیت های ایجاد شده در سطح جامعه بکاهند!

نفس طرح این قضیه در مجلس و تلاش جناح اکثیت آن برای به کریسی نشاندن نظر خود و تعیین هرچه بیشتر موازین شرعی و ارتجاعی به عرصه زندگی اجتماعی، آنهم درست زمانیکه فریاد «طالبان حیا کن مملکت رو رهاکن» درفضای کشور پیچیده است، یکبار دیگر این

اطلاعیه مشترک

با بمب گذاری نمی توان توده های مردم و کارگران را از مبارزه باز داشت

روز دوازدهم خردادماه خبرگزاریها از یک بمب گذاری در تهران خبر دادند. این بمب در «دادگاه انقلاب اسلامی تهران» منفجر شده است. در این واقعه سه نفر کشته و متعددی نیز مجروح شده اند، اینها، خبرگزاری رسمی دولتی این واقعه را به عنوان یک تصادف مورد اشاره قرار داد. سازمان مجاهدین خلق ایران پس از انفجار مسئولیت این بمب گذاری را به عهده گرفت.

در شریط سیاسی و اجتماعی ایران این بمب گذاری تنها میتواند ناشی از بی اعتقادی و بی اعتمانی به مبارزه واقعی کارگران و توده های معارض بوده و در وند گسترش مبارزه مردم اخال کند. این نوع عملیات به رژیم ارتجاعی ایران امکان میبخشد که سرکوب مردم و محرومان جامعه را تشیید نماید. بسیار امکان پذیر است که از درون خود رژیم اسلامی جناحی با هدف سرکوب اعترافات مردم، چنین اقداماتی را در دستور کار گذارد و به آن مبارزت کند. کارگران و محرومان جامعه که جز تشکل و مبارزه خود سلاحی برای بهبود شرایط رفت بار زندگی شان در اختیار ندارند، این حرکات را مانع گسترش مبارزه خود میباشند و از آن روی گردند.

ما اعلام میکاریم که با چنین اعمالی مخالف بوده و آن را محکوم میکنیم. بمب گذاری مجاهدین در هنگامی انجام میگیرد که جنبش توده ای مردم ایران رو به گسترش است. هر روز اقسام مختلف مردم، کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان، نویسندها و غیره حکومت را به منظور رسیدن به حقوق حقه خود تحت فشار قرار میبخشدند. کارگران ایران برای مطالبات پایه ای ای خود به میان آمد و دست اندرکار مبارزه ای جلی و مهم اند. شرایط سیاسی و اجتماعی ایران برای تختیشین باز پس از انقلاب شکست خوده ایران تغییر کرده است و توانان قوا به ففع جنبش توده ای و کارگری در حال تغییر است. روانشناسی اجتماعی و سیاسی مردم ایران دچار دگرگوئی گردیده، و نهاد ولایت فقیه برایشان بی ارزش شده است، شکاف های درونی هیئت حاکمه تشیید شده و این خود شرایط مناسبی را برای مبارزه توده های محروم و ستم دیده به وجود آورده است.

مردم نباید تحت تاثیر جو رعب و وحشتی که رژیم با استفاده از این نوع وقایع به وجود می آورد قرار بگیرند. آنها با ادامه و مشکل کردن مبارزه خود به این تمہیدات پاسخ داده و میتوانند رژیم را خلع سلاح کنند، کارگران و محرومان جامعه میخواهند که شرایط زندگی خود را تغییر داده و بهبود بخشدند، میخواهند که از فلاتک و بی حقوقی به در آیند، و آزاد و بهروز زندگی کنند. در مبارزه آنان اخال فلکیدند.

حزب کمونیست ایران - سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
سازمان فدائیان (اقلیت) - سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
۱۴ خرداد ۱۳۷۷ (۴۰ و نهان)

لیست کمکهای مالی

کافا	نحوه	دلا رکانا دا	بلون کد	سوسیس
بدون کد	۴۰ دلار کانا دا	بلون کد	۲۷۳ فلورن	احمد زیرم
آلمان	دالهارک	دالهارک	۲۰۵ کرون سوئد	فرانک سوئیس
هومر	۳۰ مارک آلمان	۱۰ مارک	۵ کرون دانمارک	کیهان نو
کارگرافانی	۱۰ مارک	۵ مارک	۱۲۰۰ دلار آمریکا	ایتالیا
روزبه	۵ مارک	۳ مارک	۲۰۵ کرون سوئد	
رمان	۳ مارک	۲ مارک		
ک-هومر	۲ مارک			
بلون کد				

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۱)

دوران انتراسیونال دوم

رشد و گسترش تشکلهای کارگری

حزب سوسیالیست توده ای نتوانست شکل بگیرد. فرانسیون سوسیال دمکرات که در اواسط دهه ۸۰ شکل گرفته بود و به اصول سوسیالیسم علمی معتقد بود، نتوانست یک پایه کارگری نیرومند برای خود ایجاد کند. اتحادیه ها در این مقطع هنوز در اختلاف رسمی و غیر رسمی با لیبرالها بودند. انجمن فلین هم که در این سالها از سوی گروهی از لیبرالهای چپ تشکیل گردید و خود را سوسیالیست می نامید، در واقع نه سوسیالیست بود و نه نتوانست در میان کارگران جایگاهی بدلست آورد. در ۱۸۹۳ در بریتانیا یک حزب رفرمیست به نام حزب مستقل کارگر بوجود آمد که در محلوده ای از حمایت اتحادیه ها برخوردار بود، اما نه در آن حد که بخش قابل ملاحظه ای از اتحادیه ها از آن حمایت کنند. اوضاع بر این منوال بود که در جیان انتخابات پارلمانی سال ۱۹۰۰ یک کمیته نمایندگی کارگری، برای معرفی کاندیداهای کارگران شکل گرفت. به ابتکار این کمیته، کفرانسی از نمایندگان اتحادیه ها و تشکلهای سوسیالیستی تشکیل شد و یک کمیته اجرائی انتخاب کرد که شامل ۷ تن از فعالین اتحادیه ها، دو تن از فرانسیون سوسیال دمکرات و دو تن از حزب مستقل کارگران بود. (۲۶)

در جیان برگزاری کنگره توک در ۱۹۰۱، تعداد دیگری از اتحادیه های کارگری حمایت خود را از کمیته اعلام نموده و به آن پیوستند. این کمیته که هنوز رسماً برآن نام حزب گذارده نشده بود، عملاً در میان کارگران به عنوان حزب کارگر معروف گردید. در ۱۹۰۳ ۱۶۵ اتحادیه با ۹۶۹۰۰ عضو به آن پیوسته، (۲۷) و تبدیل به یک تشکیلات سیاسی قدرتمند گردید. هر چند که از این تشکل به عنوان حزب کارگر یاد میشد و بعداً هم رسماً همین نام برای آن پنیرفته شد، اما فاقد یک برنامه سوسیالیستی روش و مشخص بود. در نتیجه همین ابهام در اهداف بود که فرانسیون سوسیال دمکرات آن را ترک نمود. در اروپای شرقی، از جمله در لهستان، مجارستان، بلغارستان، چکسلواکی، رومانی و غیره، هرچند که هنوز احزاب سوسیالیست بزرگ پیدی نیامده بودند، معهذا در این کشورها هم احزاب سوسیالیستی تا این مقطع شکل گرفته بودند. برخی از این احزاب دارای گوایشات شیلیا را دیگل بودند. حزب سوسیال دمکرات اقلالی لهستان که روزا لوکامبورگ و درینسکی در راس آن فرار داشتند، نمونه چنین حزبی بود.

در این میان در اواخر قرن، در روسیه حزب سوسیال دمکرات کارگری شکل گرفته بود که به سرعت در میان کارگران ریشه میلواند و به یک حزب توده ای با گرایشات رادیکال مارکسیستی تبدیل میشد. در خارج از اروپا، در ایالات متعدد در ۱۸۹۹ حزب کارگران سوسیالیست با گرایشات مارکسیستی شکل گرفته بود. در ۱۹۰۱ گروهی از این حزب انشعب کردند و با یک سازمان دیگر بنام حزب سوسیال دمکرات متحد شدند که حزب سوسیالیست را پیدی آورده. معهذا

هیچک از این احزاب نتوانستند به یک حزب توده ای کارگری تبدیل شوند.

در استرالیا که در ۱۸۹۱ با حمایت و پشتیبانی اتحادیه های کارگری، حزب کارگران تشکیل گردید، این حزب به سرعت رشد نمود به نحوی که در انتخابات ۱۸۹۱، ۴۵ کالنیا معروف نمود که از میان آنها ۳۵ تن انتخاب شدند. (۲۸)

در آستانه قرن پیشتم، در آسیا هنوز احزاب سوسیالیست شکل نگرفته بودند و به استثنای ژاپن که جنبش سوسیالیستی آن تا حدودی پیشرفت کرده بود و اتحادیه سوسیالیستها پلید آمد، در بقیه کشورها جنبش سوسیالیستی در حد محافظ و گروههای کوچک بود. در قاره آفریقا نیز تنها آفریقای جنوی بود که در آن به موازات شکل گیری اتحادیه های کارگری، تشکلهای سوسیالیستی نیز بوجود آمدند و در ۱۹۰۲ فرانسیون سوسیال - دمکرات بوجود آمد. در آمریکای لاتین در ۱۸۹۲ حزب کارگران سوسیالیست بربزیل و در ۱۸۹۶ نیز حزب کارگران سوسیالیست آرژانتین شکل گرفت که بعداً در ۱۹۰۰ نام خود را به حزب سوسیالیست تغییر داد. روپهوفنه احزاب سوسیالیست در این سالها به لحاظ کمی و گسترش فعالیته از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار بودند، بنحوی که در ۱۹۰۴، این احزاب، ۶۶۸۶۰۰ رای در انتخابات بدست آوردند. و ۲۶۱ نماینده در پارلمانها داشتند. (۲۹)

اتحادیه های کارگری

هم زمان با اعتلاء جنبش کارگری و ارتقاء اشکال مبارزات کارگران، تشکلهای

در آغاز قرن پیشتم، پس از گذشت بیش از یک دهه از تشکیل انتراسیونال دوم، احزاب سوسیالیست و کارگری کشورهای اروپائی به احزاب توده ای قدرتمند تبدیل شده بودند که کمیت بسیار وسیعی از کارگران را در صفوی خود مشکل ساخته و در پارلمانها و شوراهای شهرداریها نفوذ قابل ملاحظه ای کسب کرده بودند. حزب سوسیال دمکرات آلمان که بزرگترین و قدرتمند ترین حزب سوسیالیست آن دوران بود و از پایگاه توده ای کارگری بسیار بود خود را برخوردار بود. نفوذ این حزب در جامعه آلمان به حدی رشد کرده بود که در انتخابات ۱۸۹۸ رای ۲۱۰۷۰۰ را بدست آورد. همین حزب در ۱۹۰۳ با ۱۱۰۰ رای، ۸۱ نماینده به پارلمان فرستاد. (۲۶)

در صفوی خود مشکل ساخته بودند و در پارلمان یک فراکسیون واحد تشکیل داده بودند. معهذا دو عامل، قدرت آنها را محلود و تضعیف میساخت. نخست، تعدد و پراکندگی در جنبش سوسیالیستی بود. سوسیالیستهای فرانسوی در چندین حزب و سازمان مشکل شده بودند که مهم ترین آنها تا آغاز قرن پیشتم، حزب کارگران فرانسه به رهبری کسد و لافارک، فرانسیون سوسیالیستهای مستقل به رهبری روزر، حزب سوسیالیست اقلابی و لیلن و اتحاد کمپونیت بود. این پراکندگی لطمہ شدیدی به سوسیالیستها و کارگران وارد آورده بود. لذا تلاشنهای برای وحدت گرایشات تزدیک بهم آغاز گردید. قضیه دریفس و بحران سیاسی ناشی از آن، این روند را تسريع نمود. تیجنا در سالهای ۱۹۰۱-۱۹۰۲

این سازمانها با یکیگر وحدت کرده و در دو حزب مشکل شدند. فرانسیون سوسیالیستهای مستقل بهمراه کارگران سوسیالیست، سازمانهای دیگر، حزب سوسیالیست فرانسه را تشکیل دادند. و جیان رادیکال سوسیالیست مشکل از حزب کارگران فرانسه، حزب فرانسوی سوسیالیست را به اتحاد کمینیست و تعنادی سازمانهای کوچکتر، حزب فرانسوی سوسیالیست را به وجود آورده. عامل دیگری که قدرت احزاب سوسیالیست را تضعیف و پایه توده ای آنها را محلود میساخت، نفوذ بسیار پراکندگی آنارکو - سنتیکالیسم در جنبش کارگری بود، این گلایش در نتیجه پراکندگی و اختلافات سوسیالیستها و ایضاً راست روی برخی از آنها به نحوی تقویت گردید که در ۱۹۰۱ رهبری اتحادیه ها را کاملاً قصده کرد.

در بلژیک، حزب کارگران، با نفوذ گستره ای که در میان اتحادیه ها، تعانیها و جوانان داشت یکی از مهمترین احزاب سیاسی بلژیک محسوب میشد. در اطریش حزب سوسیال دمکرات به رهبری آدلر پایه توده ای مستحکمی در میان کارگران داشت.

در اسپانیا و ایتالیا که از سالها پیش آنارکو - سنتیکالیستها نیروی مهمی در جنبش طبقه کارگر محسوب میشدند، کارگران میان دو گرایش سوسیالیستی و آنارکو-سنیکالیستی منقسم شده بودند. در اسپانیا، حزب کارگران سوسیالیست تحت رهبری پابلو لیکلزا در برخی مناطق و جیان آنارکو-سنیکالیست موسوم به فرانسیون انجمنهای کارگران در مناطق صنعتی دیگر نیروی مسلط جنبش کارگری بودند. در اوائل قرن، جیان آنارکو-سنیکالیست وسیعاً رشد کرد و تعناد اعضاء آن به ۴۰۰۰ رسید. این امر عملتاً از آن روز بود که حزب کارگران سوسیالیست به راست روی کشیده شده بود. در ایتالیا هم وضعیتی کمیش شبیه اسپانیا وجود داشت.

حزب سوسیالیست که پایه توده ای کارگری وسیعی کسب کرده بود توانست در انتخابات سال ۱۹۰۰، ۳۳ کرسی در پارلمان بدست آورد. (۲۸) اما این حزب که در راس آن توانی و پیسولاتی قرار گرفته بودند، به رفمیس در غلطید و نتیجه این راست روی رشد آنارکو - سنیکالیستها در ایتالیا بود. در دیگر کشورهای اروپای غربی نیز طی این سالها، احزاب سوسیالیست به احزاب سوسیالیست علمی میکردند، اما همانگونه که بعداً خواهیم دید، اغلب آنها دارای گرایشات رفرمیستی بودند و این گرایش از اوائل قرن تشدید شد. در میان کشورهای اروپای غربی، بریتانیا وضعیت خاصی داشت. در اینجا یک

راست و رفمیست، از جمله انگلیس و آمریکا قرار بگیرد. معهدها از آنجایی که اغلب اتحادیه‌ها موافق تشکیل یک کانون بین المللی بودند، قرار شد که بمنظور برقراری ارتباط تزدیک تر میان اتحادیه‌های کشورهای مختلف، چنین اجلاس‌های بین المللی بطور منظم تشکیل گردد.

لذا کنفرانس دیگری در ۱۹۰۲ همزمان با تشکیل کنگره اتحادیه‌های کارگری آلمان در اشتتوتگارت برگزار گردید. در این کنفرانس ایجاد یک کانون بین المللی اتحادیه‌ای به شکلی مبهم و بدون سازماندهی مشخص پنیرقه شد. اما تصمیم قطعی در کنفرانس دولین در ۱۹۰۳ کرته شد و دیپرخانه بین المللی مراکز اتحادیه‌ای بشکل واقعی ایجاد گردید. که بمنظور ارتباط تزدیک اتحادیه‌ها و همانهنجی فعالیتهای آنها در عرصه بین المللی می‌باشی در فواصل کنفرانسها عمل کند و هر دو سال یکبار اجلاس بین المللی اتحادیه‌ها را تشکیل دهد. لذین نیز به عنوان دیگر کل انتخاب شد. دیگر خانه از دو نماینده از هر مرکز اتحادیه‌ای ملی تشکیل گردید. تا یک سال بعد یعنی در ۱۹۰۴ مركز ملی اتحادیه‌ای با ۲۴۷۷۰۰ عضو به دیپرخانه بین المللی مراکز اتحادیه‌ای پیوستند. (۳۳) البته در سالهای بعد برویه زیر فشار فرانسیسون کارگران آمریکا، نام دیپرخانه بین المللی به فرانسیسون بین المللی اتحادیه‌ها تغییر یافت.

رشد جنبش تعاوی

از دیگر سازمانهای توده ای کارگری که در این سالها از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار بودند، باید به تعاویهای کارگری که اساساً تعاوی های مصرف بودند اشاره کرد.

در آستانه قرن بیست در بریتانیا ۲۰۰۰ تعاوی مصرف با متاجوز از یک میلیون و شصدهزار عضو وجود داشت. کشور دیگری که در آن تعاویهای وسیعاً رشد کرده بودند، بلژیک بود که ۱۸۰۰ تعاوی مختلف در آن وجود داشت و تعادل اعضاء آنها به ۸۶۰۰ نفر میرسد. در بلژیک تعاویهای اساساً وابسته به حزب سوسیالیست بودند و در ۱۹۰۰ فرانسیسون تعاوی های سوسیالیست بلژیک تشکیل گردید.

در فرانسه، در آغاز، همه تعاویهای به «اتحادیه تعاوی» وابسته بودند که مبلغ دوی جنبش تعاوی از سیاست بود. (اما از ۱۸۹۵ تعاویهایی که جهت گیری سوسیالیستی داشتند از اتحادیه کنار کشیدند و بورس تعاوی انجمن های سوسیالیستی مصرف را ایجاد نمودند. این سازمان به سرعت رشد کرد: در ۱۸۹۴ ۹۴۲، ۱۸۹۹ ۱۶۰۰، ۱۹۰۲ انجمن را با ۳۰۰۰۰ عضو در صفو غود مشکل ساخته بود و

در آلمان نیز تعاویهای مصرف کارگری که از ۱۸۸۵ تشكیل شده بودند وسیعاً رشد کردن و در ۱۹۰۳ اتحادیه مرکزی پرولتاری تعاویهای مصرف تشکیل گردید که ۶۶۶ تعاوی با ۵۷۳۰۰ عضو به آن پیوستند. حزب سوسیال دمکرات آلمان در قبال مساله تعاوی ها موضعی اصولی داشت. این موضع در قطعنامه کنگره هاتور ۱۸۹۹ منعکس است. در این قطعنامه گفته شده است که «این تشكیلها میتوانند با توجه به وضعیت مساعد، شرایط مادی اعضاشان را بهبود بخشنند. حزب در این تشكیلها، همانند دیگر تشكیلهایی که از منافع کارگران دفاع میکنند، مکتبی را می بینند که کارگران در آن میتوانند طرز اداره کردن مستقل کارخانه ها را یاموزند. اما این نگرش را مردود میانند که تعاویهای اهمیت قطعی در امر رهانی کارگران از زنجیرهای بردگی مزدی داشته باشند.» (۳۴)

در دیگر کشورهای سرمایه داری نیز در دوره مورد بحث تعاویهای به درجات مختلف رشد کرده بودند.

از نظر جهت گیری سیاسی، تعاویهای کشورهای مختلف جهت گیری های متفاوتی داشتند. در بلژیک و تا حدودی در فرانسه و هلند، تعاویهای کاملاً وابسته به احزاب سوسیالیست بودند. در بلژیک این وابستگی به درجه ای بود که تعاویهای جزوی از حزب محسوب میشدند. در آلمان، اطریش و برخی کشورهای دیگر، تعاویهای از خدمتکاری برخوردار بودند، اما تحت نزد احزاب طبقه کارگر قرار داشتند. در بریتانیا و تعداد دیگری از کشورها یا بخشی از تعاویهای یک کشور نظیر فرانسه، تعاویهای موضع بی طرفی نسبت به احزاب سیاسی داشتند و گاه شدیداً ضد سیاست بودند.

تشکل های زنان و جوانان کارگر

انتربنایونال دوم در آغاز توجه چندانی به تشكیلهای مستقل زنان کارگر و زحمتکش نداشت و احزاب سوسیالیست تلاشی برای ایجاد این تشكیلهای نداشتند. در نتیجه این ضعف، زنان کارگر تحت نفوذ سازمانهای فمینیست بورژوا قرار داشتند که افق دید آنها از محلود رفمیسم بورژوا - لیبرالی فراتر نمی رفت. همانکونه

صنف طبقه کارگر نیز از رشد و پیشرفت قابل ملاحظه ای برخوردار شدند. در دوره مورد بحث بر کمیت کارگران مشکل در اتحادیه های کارگری افزوده شد. در فاصله سالهای ۱۸۹۰-۱۹۰۰ اعضاء اتحادیه های کارگری در آلمان ۲/۵ برلر و در بریتانیا ۲ برلر شدند. در ۱۹۰۴ اتحادیه های کارگری ۱۵ کشور اروپائی به همراه ایلات مستعد و استرالیا مجموعاً ۸/۵ میلیون عضو داشتند. (۳۰) حال آن که در آخرین سالهای قرن نزد هم، تعداد اعضاء اتحادیه ها تنها ۴ میلیون بود. با وجود این رشد قبل ملاحظه اعضاء اتحادیه های کارگری، به این واقعیت هم باید اشاره کرد که در اوائل قرن بیستم، کمیت کارگران صنعتی جهان از ۴۰ میلیون نیز تجاوز کرده بود، لذا هنوز اکثریت بسیار عظیمی از کارگران مشکل در اتحادیه ها بودند. در برخی از کشورها نسبت کارگران مشکل در اتحادیه ها در مقایسه با کل کمیت طبقه کارگر فوق العاده پائین بود. به عنوان نمونه در ۹/۹ ۱۹۰۴، این نسبت در بلژیک ۷ درصد، در اتریش ۸ درصد، و در سوئد ۹/۹ درصد بود. در کشورهایی که طبقه کارگر مشکل تر بود، بازم این نسبت پائین بود. این نسبت در آلمان ۲۷ درصد، در بریتانیا ۳۳ درصد و در دانمارک ۵۰ درصد بود. (۳۱)

در توضیح این وضعیت باید به دو عامل اشاره کرد. نخست عامل فشار و سرکوب طبقه حاکم بود که به اشکال مختلف می کوشید، بر سر راه پیوستن کارگران به اتحادیه ها مانع ایجاد کند. این فقط مختص سرمایه داران متفرد نبوده با تهیید و ارتعاب و فشار اخراج، مانع از پیوستن کارگران به اتحادیه های میشند بلکه در همین ایام در انگلیس و آمریکا و برخی کشورهای دیگر به بهانه ها و تحت پوشش های مختلف، قوانین ضد اتحادیه ای جلیلی تصویب شد. عامل دیگر، بقاء و دوام خصلتهای صنعتی در برخی اتحادیه ها بود که از جمله لیجاد کرده بودند.

به هر حال این واقعیت به جای خود باقی است که در آستانه قرن بیست به نحو قبل ملاحظه ای بر کمیت کارگران مشکل در اتحادیه ها افزوده شد.

نکته دیگری که حاکی از این نسبت ارتفاع اتحادیه های کارگری از ۱۹۰۴ میلادی میگیرد و رشد سازمانهای بین المللی اتحادیه ای است. از همان آغاز پیوستن کارگران غیر ماهر، زنان و سیاهپستان به اتحادیه های مانع ایجاد کرده بودند. از همان آغاز پیوستن اتحادیه های کارگری، تمایل شیلیت به ارتباط میان اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف وجود داشت که این خود از روحیه همیستگی بین المللی کارگران سراسر جهان ناشی میشد. این واقعیت را شکل گیری انتربنایونال اول که مبتکر تشكیل آن اتحادیه های کارگری فرانسه و انگلیس بودند، آشکارا نشان داد. اتحادیه های کارگری در جریان شکل گیری انتربنایونال دوم نیز نقش مهم داشتند و در اجلاس‌های بین المللی انتربنایونال سوسیالیست، نمایندگان اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف حضور داشتند. معهدها این خود از روحیه همیستگی بین المللی کارگران سراسر جهان ناشی میشد. این واقعیت را شکل گیری انتربنایونال اول که مبتکر تشكیل آن اتحادیه های کارگری فرانسه و انگلیس بودند، آشکارا نشان داد. اتحادیه های کارگری در جریان شکل گیری انتربنایونال دوم نیز نقش اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف وجود داشت که این خود از روحیه همیستگی بین المللی کارگران سراسر جهان ناشی میشد. این واقعیت را شکل گیری انتربنایونال اول که مبتکر تشكیل آین شکل جهانی را، شکل گیری تشكیلهای بین المللی اتحادیه های کارگری که از حرفه های معین که به عنوان دیپرخانه های بین المللی اتحادیه های معرف شدند، فراهم ساخته بود.

پیش کام تشكیل این دیپرخانه ها، کارگران چاپ بودند. در ۱۸۸۹، نمایندگان از اتحادیه های کارگری کشورهای انگلیس، ایلات مستعد، فرانسه، ایتالیا، بلژیک و اسپانیا در پاریس کرد آمدند و نخستین کنفرانس از این نوع را تشكیل دادند. در ماه مه ۱۸۹۰، نیز ۱۱۲ نماینده از اتحادیه های معلنجان فرانسه، انگلیس، اتریش و آلمان در پاریس جمع شدند که فرانسیسون بین المللی معلنجان را تشكیل دهند. (۳۲)

در نتیجه این اجلاس ها و تماسها بود که دیپرخانه های بین المللی اتحادیه ای تشكیل گردیدند. بنحوی که تا سال ۱۹۰۰ تعداد این دیپرخانه ها به ۱۷ رسید و در سالهای بعد نیز این تعداد افزایش یافت. در میان این تشكیلهای بین المللی، بزرگترین آنها به معلنجان، فلانکاران و کارگران حمل و نقل تعلق داشت. تشکیل و گسترش این دیپرخانه های در جهت آن بود که اتحادیه های در جهت یک سازمان اتحادیه ای بین المللی پایدار در حال حرکت اند. از این تو شکیل این سازمان بین المللی اتحادیه ای بیش از پیش به صورت یک ضرورت ملزم درآمد. نخستین تلاش جدی در این راستا، در ۱۹۰۱ در جریان برگزاری کنگره اتحادیه های کارگری دانمارک در کپنهاگ صورت گرفت که نمایندگان اتحادیه های کشورهای دیگر از جمله بریتانیا، آلمان، سوئد، نروژ، فنلاند و بلژیک نیز به آن دعوت شده بودند. در این اجلاس طرح ایجاد دیپرخانه بین المللی مراکز اتحادیه ای مورد بحث قرار گرفت. مخالفت جدی با این مساله از سوی نمایندگان اتحادیه های کارگری آلمان صورت گرفت که بر این اعتقاد بودند، مسائل مهم جنبش اتحادیه ای باید در اجلاس های کنگره های انتربنایونال کارگری و سوسیالیستی حل گردد. ظاهرا بیم آنها این بود که چنین تشكیلی تحت رهبری اتحادیه های

اخبار از ایران

علت توقف و تعطیلی واحد های تولیتی در کاشان، از کار بیکار شده اند. گفته است که واحد های تعطیل شده، غالباً در زمینه تولید فرش ماشینی، ماشین های بافتگری و مصالح ساختمانی فعالیت داشته اند که طبق ادعای روزنامه کار و کارگر بخاطر کمبود تقاضنگی و رکود بازار، به تعطیلی کشانده شده اند.

* اعتضاب در کارخانه های چیت سازی

کارگران کارخانه های چیت سازی تهران، در اعتراض به پائین بودن سطح مستمزد، عدم پرداخت اضافه حقوق و مزایای مربوط به افزایش تولید، و عدم اجرای طرق طبقه بنده شدن مشاغل، روز ۳ خرداد دست از کار کشیدند. تزدیک به دو هزار کارگر در این حرکت اعتراضی شرکت داشتند. مدیریت کارخانه که دو روز از مذاکره با کارگران سریاز میزد، سرانجام پنیرفت که برخی مطالبات کارگران را عملی سازد.

** در همین حال ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه نخ کار نیز دست به اعتضاب زدند که از تیجه آن اطلاعی در دست نیست.

* اولتیماتوم کارگران نفت به دولت

کمیته دفاع پیشتبانی از مبارزات نفتگران ایران اعلام کرد که کارگران پالایشگاه های آبادان و بندر عباس و نیز کارگران بندر ماه شهر و مسجد سليمان به دولت مهلت دادند تا آخر ماه جاری مستمزدها را لاقل معادل افزایش نرخ تورم بالا ببرد و آمادگی خود را برای انعقاد پیمان دسته جمعی اعلام کند. کارگران گفته اند چنانچه با خواسته ای آنها موافقت نشود، دست به اعتضاب خواهند زد.

کارگران پالایشگاه های تهران، شیزار، تبریز و اصفهان نیز به رفقای خود پیوستند و اولتیماتوم مشابهی به دولت داده اند.

** افزایش سوانح ناشی از کار تعداد کارگرانی که روزمره با سوانح ناشی از کار روپر میشنوند و تعدادی نیز جان میبازند، دائم رو به افزایش است. اداره کل آمار و محاسبات بیمه ای سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرد که تا پیلان دی ماه سال گذشته تعداد ده هزار ۷۹۹ نفر از بیمه شدگان دچار حادثه شده اند. در این گزارش آمده است که از این تعداد ۵ هزار ۳۱۵ نفر به دلیل بی اختیاطی و یکهزارو ۲۱ نفر بعلت استفاده از وسائل بی حفاظ و معیوب، در حین انجام کار صدمه دیده اند. ۱۱۳ مورد به فوت و ۲۷۶ مورد به از کار افتادگی کلی و جزئی متنه شده است.

* کار گودگان در ایوان

روزنامه همشهری به نقل از یکی از مسئولین حکومتی خبر داد که در ایران حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از شاغلان کشور را افراد زیر ۱۵ سال یا بالای ۶۵ سال تشکیل داده اند. درین خبر تعداد دقیق کارگران زیر ۱۵

* خودداری کارفرمایان از بیمه کودن کارگران در همدان

مليبر کار و امور اجتماعی استان همدان اعلام کرد در حال حاضر ۸۵ هزار کارگر بیمه شده در سطح هزار کارگاه استان مشغول فعالیت هستند و با احتساب ده رصد از کارگرانی که کارفرمایان از بیمه کردنشان خود داری میکنند، این رقم به ۱۰۰ هزار نفر افزایش میباید. نامبرده درادامه سخنان خود اعتراف کرد که در اثر ۱۰۶ سانحه ای که در سال گذشته درین استان بوقوع پیوسته، دست کم ۱۸ کارگر جان خود را از دست داده اند.

* اخراج ویکار سازی دهها

کارگر در همدان و مشهد و اصفهان

مليبر عامل شرکت تولیدی صنعتی گذاران هملان، به بهانه اینکه سازمان توسعه ماشین آلات کشاورزی به تعهدات خود عمل نکرده است، ۳۰ تن از کارگران شرکت را اخراج میکند. مسئولین این شرکت که تولید کننده ماشین آلات کشاورزی است، مدعی اند که سازمان توسعه ماشین آلات کشاورزی برغم قرار داد و تعهد خود، هیچگونه مبلغی در ازای تجییزات سفارشی خود پرداخته است و این شرکت سرمایه و مواد اولیه لازم برای ادامه تولید ندارد!

** در مشهد نیز مدیریت کارخانه پیپ های توربینی خراسان، این واحد تولیدی را تعطیل و بیش از ۴۰ تن از کارگران این کارخانه را از کار برکنار کرد.

** همچنین ملیبران شرکت فلو مارت اصفهان که تولید کننده فرش های ماشینی است، شماری از کارگران این شرکت را اخراج کردند.

* اعتضاب کارگران ایران پوپلین

روز سه شنبه ۱۵/۲/۷۷، کارگران شرکت ایران پوپلین رشت، در اعتراض به عدم پرداخت بموقع دستمزدهای خویش، دست از کار کشیدند و خواستار پرداخت حقوق خود شدند.

* تجمع کارگران بیکار در طبس

روز پنجم شنبه، سوم اردیبهشت ماه، متاجوز از صد تن از کارگران بیکار شده، در برلر فرمانداری طبس تجمع کرده و خواستار پرداخت حق بیمه بیکاری و رسیدگی به مسئله اشتغال خود شدند. شیلان ذکر است که این کارگران سبلقا در معدن ذغال سنگ طبس مشغول به کار بودند و بعد از آنکه ۹ ماه از بیکارشدن آنها گذشته بود، حق بیمه خود را بطور کامل دریافت نکرده بودند.

* تجمع اعتراضی زنان کارگر در مشهد

روز شنبه پنجم اردیبهشت ماه دهها تن از زنان کارگر با بریانی یک تجمع اعتراض آمیز در برلر اداره کل کار و تأمین اجتماعی خراسان در شهر مشهد، نسبت به قطع حق بیمه بیکاری اعتراض کردند. گفته است که این کارگران که بصورت فصلی در کارخانه (TOMATO) وابسته به شرکت خوشاب کارمیکنند، در ایام بیکاری مزایایی تحت عنوان بیمه بیکاری به آنها پرداخت میشده که اخیرا کار فرما از پرداخت آن خودداری کرده است.

* کارگران کارخانه پرسان رشت، هشت ماه است حقوق نگرفته اند.

اواسط اردیبهشت ماه، امام جمعه رشت در خطبه های نماز جمعه ضمن سخنان خود، دو موضوع را در ربطه با مسائل و مشکلات کارگری استان گیلان نیز بر زبان راند. وی اولاً اشاره کرد که دست کم ۱۵ کارخانه در

۶۰۰۰۰ ریال بابت حق مسکن پرداخت میشد. اما از اول سال جاری این رقم به بیش از ۴ برابر افزایش یافته است. علاوه بر این به هر کم از نمایندگان مجلس ارتجاع، ۲۰ میلیون ریال نیز بابت پول پیش اجاره پرداخت میشود و مطبوعات رژیم خبر دادند که دریی این افزایش حق مسکن نمایندگان، آن دسته نیز که قبل از خانه های سازمانی تحويل کرفته بودند، این خانه ها را پس میدهند تا این پول کلان به آنها نیز تعلق بگیرد.

* رفاقت اتحادات امپریالیستی

برای سرمایه گذاری در ایران

در ادبیهشت ماه سال جاری چندین هیئت اقتصادی مشتکل از نمایندگان بزرگترین اتحادات بین المللی از کشورهای امپریالیست بمنظور مذاکره و عقد قراردادهای اقتصادی وارد ایران شدند.

در زمرة مهمترین این هیئت‌ها، هیئتی از نمایندگان ۳۰ کمپانی فرانسه تحت ریاست رئیس اتحادیه بین المللی کارفرمایان بود که با سران و مقامات دولتی رژیم جمهوری اسلامی مذاکره کردند و به توافق هائی نیز برای سرمایه گذاری و صدور سرمایه به ایران دست یافتند. مهمترین بانکها، شرکتهای بیمه و کمپانیهای مشابه سازی فرانسه در این هیئت، نماینده داشتند. چند روز بعد یک هیئت ۱۷ نفره، شامل اتحادیه کمپانیهای صنعتی انگلیس بهمراه نمایندگان ۳ بانک سرمایه گذاری انگلیس به تهران آمدند. هیئت‌های دیگری از نمایندگان اتحادات مالی ایتالیا، بلژیک و هلند ویرخی کشورهای دیگر، نیز برای مذاکره با سران و مقامات دولتی یا وارد تهران شده و با قرار است بزودی وارد شوند.

* گاینه خاتمی لایحه فقر زدائی را پس گرفت رفسنجانی در اواخر دوره ریاست جمهوری خود وبحجوده رفاقت‌های جناح‌های هیئت حاکمه، لایحه ای را بنام لایحه فقر زدائی به مجلس فرستاد که در آن به برخی مسائل از جمله پاره ای از مسائل مربوط به تامین اجتماعی نیز در محدوده ای پرداخته شده بود. قرار بود با تصویب این لایحه، اقامتی به نفع افراد فقیر و کم درآمد جامعه صورت گیرد. چندروز پیش که مجلس قصد خود را به بررسی این لایحه اعلام نمود، خاتمی از مجلس ارتجاع خواست که بحث پیرامون این لایحه را از دستور کار خود خارج کند، چرا که دولت قصد استرداد این لایحه را دارد. بنابراین عجالتاً این لایحه نیز از دستور کار مجلس خارج گردید.

* رئیس بانک مرکزی و راه حل بحران اقتصادی محسن نوریخش، رئیس کل بانک مرکزی که در کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی، پیرامون اوضاع اقتصادی رژیم سخن میگفت، با این ادعا که گویا عمدۀ ترین دلیل رکود و کاهش نرخ‌های رشد در ایران، رشد منفی بخش ساختمن است، نشان داد که در رژیم جمهوری اسلامی

سال وبلای ۶۵ سال ذکر نشده است، اما واقعیت این است که در ایران تنها در کارگاههای قالی بافی، کوره پز خانه‌ها، کارگاههای کوچک و در بخش کشاورزی، چند میلیون تن افراد زیر ۱۸ سال کار میکنند.

* رحمتکشان امین آباد جاده را بستند

رحمتکشان منطقه امین آباد که از ابتدائی ترین امکانات معیشتی محروم اند و مستولین دولتی تا کنون مطالبات و مشکلات زیستی آنها را بلا جواب گذاشته اند، روز ۲ خرداد در اعتراض به نبود آب آشامیدنی در منطقه و دیگر امکانات معیشتی و رفاهی، دست به اعتراض وتظاهرات زدند. آنها جاده خاوران - شهر ری را مسدود کردند. نیروهای سرکوب حکومت مداخله کردند و با زور مردم را پراکنده کردند.

* اعتراض دانشجویان دانشگاه چمران

دانشجویان دانشگاه چمران اهواز در اعتراض به فقدان وکبود امکانات معیشتی لازم، نامناسب بودن غذا، کمبود سرویس، کمبود خوابگاه، مشکلات بهداشتی، خرابی دستگاههای خنک کننده آب و قطع مکرر آب، در ۲۲ ادبیهشت در محوطه دانشگاه اجتماع نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات شان شدند. دانشجویان گفته اند که مشکلات خود را با مقامات دانشگاه در میان گذاشته، اما آنها بجای تحقیق خواستهای دانشجویان، نماینده دانشجویان را به اخراج تهدید نمودند. رئیس این دانشگاه ادعا میکند که بودجه ای در اختیار نثار و سال گذشته از ۳۵ میلیارد ریال بودجه تنها ۱۰ میلیارد آن را پرداخت کرده اند.

* اعتراض دانشجویان علوم پزشکی ایلام

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایلام روز ۲۱ ادبیهشت در اعتراض به وضعیت وخیم آموزشی و کمبود امکانات آموزشی از حضور در کلاس‌های درس خودداری کردند. آنها اعلام نمودند که تا زمانی که خواستهای آنها متحقق نشود از حضور در کلاس‌های درس خودداری خواهند کرد.

* اعتراض دانشجویان دانشگاه

صنعتی امیر کبیر واحد تفرش دانشجویان دانشگاه صنعتی امیر کبیر واحد تفرش در اعتراض به کمبود امکانات معیشتی و نابسامانی وضعیت بهداشتی، در اولین خداد ماه دست به اعتراض زدند. آلوگی آب آشامیدنی این دانشگاه باعث گردید که حلواد ۶۰ دانشجو مسموم و روانه بیمارستان گردند. دانشجویان، خواهان تحقق فوری مطالبات خود شدند.

* اعتراض در دانشگاه کاشان

دانشجویان دانشگاه کاشان از ۱۱ خداد دست به اعتراض زدند. دانشجویان به کمبود خوابگاههای دانشجویی و افزایش شهریه ها معتبرض هستند.

* اعتساب در دانشگاه
کاربردی پست و مخابرات واحد اصفهان
متجاوز از ۴۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه کاربردی پست و مخابرات واحد اصفهان، از روز سه شنبه ۱۲ خداد دست به اعتساب زدند و گرد هم آئی های تشکیل دادند. آنها خواهان برخورداری از امکانات آموزشی و رفاهی هستند وبا انحلال این دانشگاه مخالف اند.

* افزایش قتل زنان در ایران
کشтар وحشیانه زنان بوریزه در برخی مناطق ایران دائم افزایش می‌باید. یکی از مسئولان حکومت اسلامی اعلام کرد که در برخی مناطق استان خوزستان، در سال گذشته تعادل زنانی که توسط بستگان خود به قتل رسیده اند، افزایش یافته است. وی گفت که در سال ۷۴، در این منطقه، در ۲۳ مورد زنان و دختران توسط بستگان خود به قتل رسیده بودند که در سال ۷۵، به ۴۱ مورد افزایش یافت. در سال ۷۶ لین رقم به ۷۱ مورد افزایش یافته است.

* در همین حال روزنامه های رژیم در ۲۲ ادبیهشت خبر دادند که جسد دو زن در تهران یافت شده است. جسد یکی از لین زنان در میان زیاله های حوالی لویزان پیدا شد که قاتل یا قاتلین، این جسد را آتش زده بودند. جسد قطعه شده زن دیگری نیز در منطقه سرخه حصار پیدا شد. از هنگام به قرت رسیدن نفر اسلامی، پلیده نفرت انگیز کشtar زنان روز به روز گشترش یافته است.

* تعداد معتادان در ۴ سال دو برابر شد
انبوه مسائل و مضلات اجتماعی مردم بوریزه جوانان، باعث افزایش اعتیاد در ایران شده است. دیگر ستاد مبارزه با مواد مخدر اعلام کرد، شمار معتادان کشوار در ۴ سال گذشته ۲ برابر شده، به گونه ای که شمار آن از ۵۰۰ هزار به یک میلیون نفر در حال حاضر رسیده است. البته باید گفت که تعداد معتادان در ایران بسیار فراتر از آن چیزی است که مقامات و مسئولین حکومتی میگویند، اما همین اعتراف که طی ۴ سال شمار معتادان دو برابر شد است، عمق فاجعه را بر ملا میسازد. مسئول این تباہی جوانان، نظام موجود، جمهوری اسلامی وسیاستهای آن است.

* ۲/۵ میلیون ریال حق مسکن
نمایندگان مجلس
در حالی که دستمزد اغلب کارگن وزحمتکشان ایران در هر ماه به نیم میلیون ریال هم نمیرسد، باصطلاح حق مسکن نمایندگان مجلس ارتجاع اسلامی به یکباره ۴ برابر افزایش یافت و اکنون نمایندگان مفت خور مجلس هر ماه تنها ۲/۵ میلیون ریال بابت حق مسکن دریافت میکنند. تا پایان سال ۷۶، در هر ماه به هر نماینده ای

گزیده ای از نامه های رسیده

مسئله را «بی حرمتی» به «نویسنده کان و پناهندگان مبارز و سازمانهای متفرقی» دانسته است. در این یادداشت که پای آن اضطراء «جمعی از هوازدان ادبیات مردمی» نهاده شده است، همچنین از حمایت کانون از عباس معروفی انتقاد شده است.

* در همین رابطه یادداشت چهار صفحه ای دیگری نیز از طرف «جمعی از فعالین فرهنگی - سیاسی استکهم - سوئد» مورخ ۹۸/۴/۱۸ و با عنوان «خطاب به کانون نویسنده کان ایران» برایمان فاکس شده است. درین یادداشت از علم اعتراض «کانون نویسنده کان ایران در تبعید» نسبت به حضور وزیر فرهنگ کش جمهوری اسلامی» در مراسم چهار روزه کنفرانس یونسکو در استکهم انتقاد شده است و در ادامه به برگزاری اکسیون اعتراضی نسبت به شرکت مهاجران درین مراسم اشاره شده و «این ادعا از جانب آقای معروفی مبنی برینکه تظاهر کنندگان و با فعالین اپوزیسیون به ایشان هم درآکسیون ضد رژیم وهم در دفتر انتشاراتی باران حمله کرده اند» رد شده است. علاوه برین، امضا کنندگان یادداشت فوق «هرگونه فحاشی و ضرب و شتم و تهیید نسبت به نویسنده کان و دکترانیشن را مادامیکه از مهره های دولتی رژیم جمهوری اسلامی نباشد محکوم» کرده اند ویر «برخورد سیاسی و نظری» در چنین مواردی تأکید نموده اند. تهیه کنندگان این یادداشت، در ادامه ضمن اشاره به «تهاجمات فرهنگی - سیاسی جمهوری اسلامی در خارج از کشور» عنوان کرده اند که جمهوری اسلامی «سعی در ایجاد اختلاف و تضاد هرچه بیشتر و عمیق تر میان احزاب و سازمانهای اقلالی و نهادها و شخصیت های متفرقی و مردمی درون اپوزیسیون دارد» و اضافه کرده اند «هرگونه تضاد و تفرقه افکنی میان نویسنده کان مردمی و فعالین سیاسی اپوزیسیون اقلالی به سود رژیم تمام خواهد شد و باید با هوشیاری تمام با این مسئله برخود نمود» و بالاخره در انتهای، خطاب به کانون نویسنده کان ایران در تبعید گفته شده است «ما فعالین اپوزیسیون چپ اقلالی، نه تنها از کانون نویسنده کان در تبعید همچون یک حزب سیاسی موقع نداشته و نداشیم، بلکه از آزادی بیان، قلم و اندیشه بدون قید و شرط قاطعه دفاع میکنیم ویر تمامی مبارزاتی که سالیان سال، بسیاری از اعضاء این کانون در مقابله با رژیمهای پهلوی و جمهوری اسلامی نموده اند . . . ارج مینیم».

فرافسنه - کانون هنری و فرهنگی نیما، از شهر لیل فرافسنه نامه ای برایمان فرستاده اند. لین دوستان در نامه خود از ارسال ۱۲ شماره نشریه کار در سال ۹۷ و دریافت آن، تحت عنوان «اقدام فرهنگ دوستانه» سپاسگزاری کرده اند. ضمن آرزوی موقوفیت برای لین دوستان و همه کسانی که در راه اشاعه فرهنگ اقلالی و متفرقی تلاش میکنند، باطلاع شما میرسانیم که نشریه کار کماکان برایتان ارسال میشود.

استرالیا - از سینه استرالیا نامه مفصلی با امضا فرهاد بدستمان رسیده است. درین نامه «انتقاداتی» نسبت به مواضع سازمان درقبال شورای ملی مقومت و سازمان مجاهدین مطرح شده و خواسته شده است تا درنشیه کار درج شود و ما درستون گریده ای از نامه های رسیده، طبق روال همیشگی قسمت هایی از «نامه» را می آوریم. ایشان در نامه خود از جمله نوشته اند «درمورد بعضی دیدگاهها و نظرات سازمان فدائیان (اقلیت) انتقاداتی دارم که درینی به آن اشاره خواهم کرد. امید است مطالب مطروحه مورد بحث قرار گرفته تا اذهان عموم به واقعیت ها روشن شود» نویسنده نامه درادامه نوشته اند «در اکثر شماره ها نشیه کار از هرروزنه و دریچه ای و به هربهانه ای به سازمان مجاهدین خلق بطر مکرر حمله میشود و چون این حملات پایه واساس منطقی و اصولی نداشته است، به عنوان ضدیت کور و هیستیریک با مجاهدین تلقی میشود» سپس با این استدلال که «حمله به مجاهدین»، «دشمن اصلی مردم ایران یعنی رژیم خمینی را شاد میکند» تلویحا ازما خواسته شده است که از موضع گیری علیه شورای ملی مقاومت و مجاهدین دست برداریم.

اطویش - ملک

نامه ای همراه با یک نسخه از شماره ۱۱ نشریه خود (گوارش) و چند اطلاعیه برای ما فرستاده اند. این دوستان در نامه خود از جمله به مسئله تبادل نشریات و اطلاعیه ها میان نهاد های سیاسی و فرهنگی و نیز ضرورت ارتباط با نیروهای سیاسی اشارة کرده و نوشته اند «ما به سهم خود در چارچوب امکانات، نشریات و جزوات خود را در اختیار شما قرار داده و کوشش ما این است که در اینده هم این دیالوگ بطور منظم تری ادامه باید تا بتوان با کسب آگاهی بیشتر از رویدادهای مبارزاتی درون ایران و همچنین در خارج با کارآئی و هماهنگی بیشتری مبارزه علیه جمهوری اسلامی را به پیش ببریم» دوستان این دوستانه نمک است راضی کند و نه مسئله ای دیگر. هر کس میتواند نسبت به هر مسئله ای انتقاد داشته باشد ولی بالآخر برای سنجش این انتقاد و بجا وبا نایاب باشد و سرانجام حقانیت داشته باشد یا نه؟ مسئله ای دیگر. بودن آن معیار لازم است وروشن است که اگر معیار و ملاک درستی وجود نداشته باشد «(انتقاد) هم در نهایت فقط شخص «متند» را ممکن است راضی کند و نه بیشتر! درینجا هم نویسنده نامه بی آنکه بطور مستند صحبت کند که فرضا در کلام شماره نشریه کار به سازمان مجاهدین «حمله» شد است و استدلال شود که چرا این «حملات» پایه واساس نداشته است، اظهار شده است، که لین «ضدیت کور و هیستیریک با مجاهدین» است! حال آنکه فضیلی کاملا برعکس است و فی الواقع هم اگر کاربرد واژه «هیستیریک» مصالقی داشته باشد، درمورد برخورد سازمان مجاهدین با نیروهای چپ و اقلالی مصالق دارد و نه برعکس! البته سیاستها و موضوع سازمان مجاهدین در مقابل نیروهای چپ و اقلالی روش تراز آن است که درینجا نیازی به باز کردن آن باشد. معها نکته ای را که حتی درینجا بیلیستی یاد آوری کنیم این است که اکنون ملتهاست که فصل لین گونه باصطلاح استدلال ها که افشاء سیاستهای مجاهدین یا «حمله» به مجاهدین توسط نیروهای چپ و اقلالی «رژیم خمینی را شاد میکند» گذشته است. این، البته حریه زنگ زده ای بوده است در دست مجاهدین که همواره سعی کرده است و این

خبری از ایران

کرد. او خواهان لیجاد امنیت بیشتر برای سرمایه‌ها، بویژه «سرمایه‌های خارجی» شد.

* وزیر اطلاعات و تامین امنیت بیشتر برای سرمایه‌های خارجی

در رابطه با سرمایه‌گذاریها و جذب سرمایه‌های خارجی وزیر اطلاعات حکومت اسلامی آخوند دری نجف آبادی ضمن بیان این مطلب که مقررات و آئین نامه‌های مربوط به سرمایه‌گذاریها نباید هر روز دستخوش تغییر گردد، براین مسئله که «ضریب امنیتی برای سرمایه‌گذاری در کشور باید افزایش یابد» تاکید ویژه نمود و در مورد حجم سرمایه‌گذاریها خارجی گفت «در قانون برنامه دوم توسعه، به دولت اجازه جذب ۱۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی و در بودجه سالهای ۷۶ و ۷۷ به ترتیب جذب ۳ و ۸ میلیارد دلار سرمایه خارجی پیش‌بینی شده است که قرارداد با توtal و سایر شرکت‌های خارجی در زمینه نفت و گاز در همین راستا بوده است»!!

* وزیر کشور و حزب خدا

وزیر کشور کایینه خاتمی که به مناسبت ۲ خرداد در شهرستان نفت سخن می‌گفت، درک کایینه خاتمی را از مسئله آزادی احزاب توضیح داد و شنан داد که این مدعیان دروغین آزادی نیز چیزی جز حزب خدا نیخواهند. او گفت: «تحزب درکشور ما جایگاهی ندارد و یا توجه به سوالی که وجود دارد نیازمند به کار فرهنگی دراین زمینه است». وی افزود «وقتی اسم حزب می‌آید، خیلی ها حسابت دارند و در ذهن آنها احزاب سلطنت طلب و چپ مجسم می‌شود، اما اگر حزب، حزب خدا باشد خیلی خوب است و چنین حزبی برای اتفاقات و نظام که در چار چوب قانون اساسی و خواسته مشروع مردم فعالیت کند، مفید خواهد بود».

*** حمله چماقداران حزب الهی به کنگره جوانان**
در جریان برگزاری کنگره جوانان در اردیبهشت ماه، چماقداران حزب الله که تعنیشان به حدود ۵۰ تن می‌رسید، به این اجلس علمی یورش برداشت و یک روز این اجلس را تعطیل نمودند. آنها که با لباسهای سیاه متحداشکل به این اجلس حمله کردند، درهای تالار را شکستند، دوربین‌ها و دیگر وسائلی را که در آنجا بود خرد کردند، مانع ورود و خروج افراد شدند و پس از این از آنها پشت تریبون رفت و به توهین و فحاشی پرداخت. حاضرین به این اتفاقات اعتراض کردند. چماقداران حزب الله، متعرضین را کنک زدند و یکی از آنها را با خود برداشتند.

زندان ارسال نمایند». درین فصلنامه همانطور که از عنوان آن هم معلوم است، علاوه بر ترجمه یک سخنرانی برگزالت برگشت، مقالاتی درمورد زندانها و اختناق در جمهوری اسلامی نیز درج شده است. ضمن تشکر از ارسال فصل نامه، آدرس آن را در اختیار انتشارات سازمان قرار دادیم. کار شماره ۳۱۳ به این آدرس ارسال شده و شماره‌های بعدی نشریه کار نیز ارسال خواهد شد.

* - سازمان پیکار برای نجات افغانستان (اصولیت اقلایی)، یک یادداشت چند صفحه‌ای مورخ «دوم شور» تحت عنوان «کودتای ننگین ۷ شور و پیامدهای شوم آن» برایمان فرستاده اند که در آن از جمله به وقایع داخلی افغانستان، درگیری جناح‌های ارتجاعی با یکدیگر، روی کار آمدن طالبان، نش و ربطه دولت‌های ارتجاعی و امپریالیستی دراین رابطه اشاراتی شده است.

در یادداشت چند صفحه‌ای دیگر مورخ اول ماه مه و تحت عنوان «با لیجاد از ازاب پرولتی اقلایی جنبش های کارگری را تقویت کنیم» که این دوستان برای ما ارسال کرده اند، ضمن افشاء سیاستهای ضد کارگری باندهای ارتجاعی و مذهبی، به ویران شدن کارخانه‌ها و منابع کارگری پیست عمل ارتجاع و امپریالیسم و رانده شدن کارگران از محیط کار، آوارگری کارگران و رحمتکشان افغانستان و مهاجرت اجرای آنها به ایران و پاکستان اشاره شده است.

* - چند نامه از ترکیه، آلمان و... در رابطه با مسائل پناهندگی برایمان ارسال شده است که این نامه‌ها در اختیار تشکیلات خارج کشور سازمان قرار داده شده تا نسبت به آن تصمیمات مقتضی اتخاذ شود. همچنین شماره‌های ۴۷۶ و ۴۷۹ «پیام زن» نشریه «جمعیت اقلایی زنان افغانستان» بستانیان رسیده است که از ارسال کنندگان نشریه تشکر می‌کنیم.

خبری از ایران

حتی بر جسته ترین مقام‌های اقتصادی آن هم چیزی از اقتصاد و قوانین آن نمی‌انند و نمی‌فهمند. او گفت: «در دسال ۶۷، ۶۸، رشد اقتصاد کشور بین ۳/۵ الی ۳/۵ درصد بود که عمدت ترین دلیل کاهش آن رشد منفی بخش ساختمان به میزان ۱۰ درصد نسبت به سال ۷۵ است».

وی برای مقابله با این وضع افزود: «اگر بخواهیم رشد اقتصادی کشور را به حد مطلوب و قابل قبولی برسانیم باید حدود ۳۰ درصد نرخ سرمایه‌گذاری و پس انداز داشته باشیم» و در پاسخ به این سوال که این حجم کلان پس انداز از کجا باید تأمین گردد، گفت:

«در شرایط فعلی که قیمت نفت بشدت کاهش پیدا کرده است، هیچ امیدی برای پس انداز و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش دولتی وجود ندارد. لذا او بر «جنوب پس انداز های بخش خصوصی و سرمایه‌های خارجی» تاکید کرد. خلاصه کلام، حرف آخر این نماینده سرمایه داران ایران این بود که باید دست به دامان انحصارات امپریالیست شد و «سرمایه خارجی» را جذب

آلمن - از طرف کانون پناهندگان سیاسی ایران- برلین، یادداشت کوتاهی بستانیان رسیده که متن یک فراخوان بهمناسب بزرگداشت قتل عام زندانیان سیاسی و مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی نیز ضمیمه آن می‌باشد. دراین فراخوان که بیش از ده کانون و انجمن دمکراتیک پای آن امضا کرده اند از جمله چنین آمد است :

«فراخوان - ده سال گذشت ولی ما فراموش نمی‌کنیم. در طی مدت کوتاهی بیش از هزار زندانی سیاسی که دوران محاکمه بسیاری از آنها نیز به سر رسیده بود، اعدام شدند. تصویر کامیون های پر از اجساد این قربانیان در تابستان ۱۳۷۷ هیچگاه از ذهن ما پاک نخواهد شد... . یاد قربانیان را بزرگ داریم و خواستار اجرای عدالت در مورد عاملین این جنایات شویم. آزادگان! سپتامبر ۱۹۹۸ (شهریور ۱۳۷۷) را در هر کجا دنیا که هستیم به ماه مبارزه علیه تحریریست حاکم برایان و بزرگداشت قربانیان این قتل عام تبلیل کیم. روزن ۱۹۹۸»

آلمن - از آلمان مرکز فرهنگی ره آورد آخون، نامه ای با امضا محمود معمارتزاد بستانیان رسیده است. دراین نامه ضمن اشاره به فعالیت‌های این مرکز فرهنگی در زمینه دعوت از سازمانها و سخنرانی‌ها از سازمان سیاسی، در زمینه برگزاری سینماتک‌ها و سخنرانی‌ها از سازمان ما نیز دعوت بعمل آمده است. دوستان عزیز همان طور که خود شما هم در جریان هستید، دراین زمینه برنامه ریزی شده و پاسخ داده شده است. دوستان ما در اینها نامه خود از ارسال مرتب نشریه کار تشکر کرده اند.

آلمن - از هانوفر آلمان، نامه کوتاهی با امضاء «پژوهش کارگری» برایمان ارسال شده است که در آن امضاکننده (گان) نامه از انتشار اولین شماره «کتاب پژوهش کارگری» خبر داده اند. متن‌افانه ما اصل کتاب را تا کنون دریافت نکرده ایم، معهدا همراه نامه «بروшуوری جهت معرفی نمودن کتاب مذکور» ارسال شده که طبق آن، کتاب فوق شامل این مطالب است: «اندیشه رهایی کار از سرمایه در جنبش کارگری - جنگ داخلی در فرانسه بخش سوم - تاریخچه ای از مبارزات و بحث های پیرامون کنترل و مدیریت کارگری - مبارزات سالهای ۱۳۵۷-۵۸ کارگران ایران» و دو شعر از برگشت.

ما ضمن ارج گذاری به تلاش این رفقا در راستای پرداختن به «موضوعات نظری، تاریخی و ادبی مربوط به جنبش کارگری، آدرس مکاتباتی «پژوهش کارگری» را جهت اطلاع خوانندگان نشریه کار درج می‌کنیم.

آدرس: Postlagerkarte Nr. 093739 C 30001 Hannover Germany

آلمن - از آلمان، فرهاد سپهر، نامه کوتاهی همراه با یک نسخه از نخستین شماره فصلنامه «گفتگوهای زندان» ویژه سرکوب، اختناق و زندان، از انتشارات سنبله برایمان فرستاده اند و در ضمن نوشته اندکه «در صورت تمایل میتوانید نشریات خود را به آدرس گفتگوهای

۷۰ هزار نفر از معدنچیان اوکرائین در ۵ معدن این کشور از روز ۵ مه دست به یک اعتضاب نامحدود زده و خواهان بهبود اینمی محیط کار و پرداخت فوری دستمزدهای معوقه خود شدند.

کره جنوبی : بحران عمیق اقتصادی و روشکستگی مالی تمام تار و پود حیات اقتصادی کشورهای جنوب شرقی آسیا را فراگرفته است. «بر»های اقتصادی آسیا در چنگل این بحران همه جانبه مالی چنان گرفتار شده اند که دیگر هیچ رمقی برای حرکت و بروز رفت از این وضعیت ندارند. در این میان میلیونها کارگر و زحمتکش اولین قربانیان این وضعیت فلاکتبار هستند. در حال حاضر در کره جنوبی بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر بیکاراند و هر روز نیز هزاران نفر به ارتش بیکاران پیوسته و بلوں هیچ سپتاپی رها میشوند. این شرایط به دنبال خود اعتراضات و اعتضابات وسیعی را در هفته‌های اخیر دامن زده است. در این میان صندوق بین المللی پول نیز پرداخت یک وام ۵۷ میلیون دلاری را، به اخراج هزاران نفر از کارگران از سوی دولت مشروط کرده است. در اعتراض به این وضعیت و برای مقابله با این تهاجم سرمایه داران، کندرایسیون اتحادیه های کارگری کره جنوبی KCTU روز ۲۷ مه، کارگران سراسر کشور را دعوت به بیانی یک اعتضاب عمومی ۲ روزه نمودند. در این روز بیش از نیم میلیون نفر از کارگران در بیش از ۱۳۰ کارخانه و موسسه صنعتی دست از کار کشیده و در خیابانهای شهرهای مختلف کره جنوبی به راه پیمانی و تظاهرات پرداختند. اعتضایون در این روز خولستان:

- * لغو طرح اخراج کارگران بعنوان پیش شرط پرداخت وام از سوی صندوق بین المللی پول،
- * پرداخت حق بیکاری متناسب با هزینه های زندگی برای کارگران اخراجی

- * برسیمت شناخته شدن اتحادیه های کارگران برای عقد قراردادهای دسته جمعی به منظور تعیین شرایط فروش نیروی کار،
- * مذاکرات مجدد با حضور نمایندگان کارگران با نمایندگان صندوق بین المللی پول در مورد پیش شرط پرداخت وام ۵۷ میلیارد دلاری این موسسه امپریالیستی به کره جنوبی شدند.

اتحادیه KCTU که ۶۰۰ هزار عضو دارد، اعلام نمود که در صورت عدم تحقق خواسته های کارگران، موج جدیدی از اعتضابات را برای دهم ماه ژوئنیه تدارک خواهد دید. طبق آمار رسمی دولتی، نزد بیکاری در کره جنوبی ۷۵ درصد است.

یونان: به منظور هموار نمودن راه عضویت یونان در وحدت پولی اروپا EMU در سال ۲۰۰۱ دولت این کشور تصمیم دارد که بانکهای دولتی را به بخش خصوصی واکنار نماید. به همین منظور دولت یونان اعلام نمود که در گام نخست، بانکهای Ionian Bank به بخش خصوصی واکنار

تا رسین به خواسته های خود دست از مبارزه و اعتضاب نخواهند کشید.

فروژ: روز ۱۴ مه، با به بن بست رسین مذاکرات مربوط به تجلیل فرادرادهای دسته جمعی، ۳۰۰ نفر از کارگران اتوبوسهای شهری در ۳ شهر نیز از جمله اسلو دست به اعتضاب زدند. روز ۱۸ مه نیز ۲۴۰۰ نفر از رانندگان اتوبوس در شهرهای دیگر به اعتضایون پیوستند. اعتضایون خواستار افزایش دستمزدهای خود به میزان ۱۷ کرون در ساعت میباشند. در صورت مقاومت کارفرما، تعداد بیشتری از رانندگان اتوبوسهای حمل و نقل شهری نیز دست به اعتضاب خواهند زد.

اسپانیا: روز ۲۷ آوریل، بیش از ۱۰۰ هزار نفر از کارگران اسپانیا، در اعتراض به نازل بودن سطح استانداردهای اینمی درمحيط کار، دست به یک اعتضاب یکروزه زدند. در لین روز کارگران در چندین شهر دست به راهپیمانی زده و خواستار توجه بیشتر به اینمی محیط کار خود شدند. تنها در سال گذشته، بیش از ۱۰۷۰ تن کارگر اسپانیائی در اثر سوانح مختلف ناشی از کار کشته شدند. علاوه بر این، بیش از ۶۷۶ هزار کارگر در اثر پاتین بودن سطح استانداردهای اینمی در محیط‌های کار خود مجروح و زخمی شدند.

استرالیا: روز ۵ ماه مه، بیش از ۷۵ هزار نفر به دعوت اتحادیه های کارگری استرالیا در یک راه پیمانی عظیم در شهر ملبورن شرکت کردند. این حرکت در رابطه با پیروزی ۱۴۰۰ کارگر بارانداز شرکت Patrick و اعتراض به اقدامات آشکارا ضد کارگری دولت محافظه کار لین کشور برگزار شد. این تجمع اعتراضی که در چند دهه اخیر بیسابقه بود، عزم راسخ کارگران را به مقابله جدی با اقدامات دولت این کشور و دفاع همه جانبی از حق تشکل کارگران، به نمایش گذاشت.

آلمان: روز ۷ ماه مه، مجدداً بیش از ۶۵ هزار نفر از بیکاران آلمان در بیش از ۳۰۰ شهر این کشور دست به راه پیمانی و اعتراض زدند. در آخر ماه آوریل، تعداد رسمی بیکاران این کشور بیش از ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر اعلام شد. اما تعداد واقعی بیکاران صدعاً هزار نفر بیش از این است. بیکاران اعلام نمودند که از این پس همزمان با اعلام آمار مربوط به تعداد بیکاران، دست به راه پیمانی و تظاهرات خواهند زد.

اوکرائین: روز ۴ مه، ۲ نفر از معدنچیان اوکرائین در اثر سقوط دیواره معدن، در یکی از معادن ذغال سنگ در جنوب شرقی این کشور کشته شدند. به این ترتیب تنها از آغاز سال مسیحی جاری تا کنون بیش از ۱۵۰ نفر از معدنچیان اوکرائین به دلیل عدم اینمی محیط کار جان خود را از دست داده اند. این واقعه و کرسنگی و فشار ناشی از عدم پرداخت دستمزدها در ۱۰ ماه اخیر، آتش خشم کارگران را شعله ور ساخته و بیش از



اعتضاب عمومی در دانمارک

با رد طرح بیشنهادی مربوط به قراردادهای دسته جمعی برای ۳ سال آینده، روز ۲۷ ماه آوریل، تمامی ۵۶۰ هزار نفر کارگر شاغل در بخش خصوصی دانمارک دست به یک اعتضاب عمومی نمودند. خواست محوری کارگران در این اعتضاب فراغت بیشتر برای شاغلین، کار برای بیکاران بود. براین مینا کارگران خواستار افزایش تعطیلات سالانه خود از ۵ هفته به ۶ ساعت، کامش ساعت‌کار هفتگی به ۳۰ ساعت و افزایش حق بازنیستگی خود شدند. با آغاز این اعتضاب، کارگران و کارفرمایان در مقابل هم صف آرایی نمودند. اعتضایون با تشکیل کمیته های اعتضاب از کار خواست کشنان جلوگیری کرده و با ترتیب دادن تظاهرات، جلسات بحث و سخنرانی و تجمع در مراکز اتحادیه ها سعی نمودند که کارگران را برای این رویارویی آماده نمایند. اتحادیه کارفرمایان نیز تعداداً با تمام خواست کارگران مخالفت کرده و تلاش داشتند که دولت را وادار به دخالت کرده و این تهاجم کارگران با نیروی دولت درهم شکنند. سرانجام در یازدهمین روز این اعتضاب عمومی، دولت سوسيال دمکرات دانمارک به بهانه فلچ شدن بخشیهای حیاتی اقتصاد، حق اعتضاب کارگران را زیر پا گذاشتند در لین درگیری دخالت نمود. تیجه اینکه طرح بیشنهادی اتحادیه کارفرمایان با کمی جرح و تعیل از سوی دولت به لایحه قانونی تبدیل شده، و به این ترتیب اعتضاب شکوهمند بیش از نیم میلیون کارگر غیر قانونی اعلام شد. کارگران با اعتراض و اعتضاب به سر کارهای خود بازگشتند. اما وعده دادند که مبارزه را برای بهبود شرایط کار خود ادامه خواهند داد. کارگران گفتند که دولت به بهانه فلچ شدن بخشیهای حیاتی اقتصاد، حق اعتضاب ما را زیر پا گذاشت. اما چگونه است که حیاتی ترین بخشیهای اقتصاد دست ماست، ولی ما حداقل دستمزد را دریافت میکنیم. براساس طرح دولت، مرخصی سالانه همه کارگران تنها ۲ زیر ۱۴ سال دارند، ۳ روز افزایش خواهد یافت.

دانمارک: روز ۱۴ ماه مه، ۷۰۰ نفر از کارگران کارخانه سازنده تجهیزات سرخانه York A/S Int. واقع در شهر Vojens دست به یک اعتضاب ۲ روزه زدند. این حرکت کارگران در اعتراض به مخالفت کارفرما با خواست کارگران برای افزایش دستمزدها بود. کارگران به کارفرما هشدار دادند که علیرغم دخالت مستقیم دولت،

خبرگاری جهان

اوج گیری جنبش توده ای . . .

۳۲ سال اقتدار و خلقان، به اوج گیری جنبش توده ای برای تحقق حقوق و مطالبات سیاسی و اقتصادی و متعاقباً سقوط سوهارتلو انجامیده است. رژیم سوهارتلو که همواره حاکمیت سرکوبگرانه خود را با پشتیبانی و حمایت بورژوازی داخلی و بین المللی تلاوم بخشیده، در مقابل رشد و اعتلاء مبارزات، وادرار به یک عقب نشینی شد. و حبیبی - یکی دیگر از مهدهای دستگاه سرکوب- را جاشین سوهارتلو نمود. حبیبی رئیس یکی از گرایشات درونی دستگاه حاکمه است. وی از سال ۹۳ که سوهارتلو با گرایشات اسلامی نزدیکتر شد، به عنوان رهبر گروه «روشنفکران اسلامی انبوختی» و در ماههای اخیر به سمت معافون سوهارتلو برگزیده شده بود. حبیبی که از یکسوس نماینده و برگزیده بورژوازی در قدرت است از سوی دیگر از حمایت جریانات لیبرال و اسلامی در اپوزیسیون و ایضاً پشتیبانی امپریالیستها برخوردار است، عجالات سکان امور را در دست گرفته است. کلیه جناحهای حامی وی بر سرکوب و خاموش کردن جنبش اعتراضی اخیر اتفاق نظر دارند و خواهان حفظ دستگاه دولتی موجود هستند.

در این میان قطعاً جنبش اعتراضی میلیونها کارگر و زحمتکش که علیه فقر و فاقه و خلقان و سرکوب پیاخته است، به اشکال متعدد تلاوم خواهد یافت. شرایط حاضر در انبوختی، بیش از پیش زمینه را برای رشد گرایشات چپ و رادیکال مهیا نموده است. چپ، گرچه در نتیجه قتل عام و سرکوبهای مدام، ضربات سهمگینی را متحمل شده و بسیاری از کادرها و فعالین چپ و اقلابی در بنبنند، اما تحت شرایط بوجود آمده، قادر به تجلید قوا، تشکل و سازماندهی خواهد بود. بی شک این چپ با ایجاد و تقویت تشکلهای کارگری و توده ای، گسترش و تعمیق مبارزات، نقش خود را در تحولات آتی ایفا خواهد نمود.

تن زخمی شلنده. اما با این اقدامات نیز، جنبش عظیم توده ای مهار نشد تا سرانجام دیکاتور حاکم، ناچار به کناره گیری گردید. کناره گیری سوهارتلو کچه یکی از مطالبات فوری بود. اما هنوز علل و ریشه های شکل گیری و بروز اعتراضات میلیونی که در شرایط اقتصادی و سیاسی موجود در انبوختی نهفته است، پایرجاست. طی سالهای اخیر، سیاستهای اقتصادی رژیم حاکم به تعیق هر چه بیشتر شکاف میان فقر و ثروت انجامید است. بیکاری و فلاکت، میلیونها تن را به کام خود کشیده است. ظرف یک سال گذشته در نتیجه رکود و تعطیلی مراکز تولید، بیش از یک میلیون تن به صوفی بیکاران پیوسته اند. حذف سویسید از کالاهای و مایحتاج اساسی به افزایش سراسام آور قیمتها انجامیده و زندگی را بیش از پیش بر توده های کارگر و زحمتکش دشوار نموده است.

در عرصه سیاسی، رژیم حاکم طی بیش از سه دهه دیکاتوری و خلقان، هرگونه ندای اعتراضی را در نظره خفه کرده، فعالیت سیاسی احزاب و گروهها را ممنوع نموده و با اعمال دیکاتوری نظامی، رعب و حشت حاکم نموده است. این رژیم با کشتار حلوه یک میلیون تن از نیروهای کمونیست، چپ و مبارز پس از کودتای نظامی ۶۵، هر گونه اعتراضی را به شدید ترین وجه سرکوب نموده است. علاوه بر اینها، طی دهه های اخیر فساد و رشوه خواری و غارت و چپاول به طرز بی سابقه ای گسترش یافته، دستگاه سرکوب و بوروکراسی عریض و طویلتر شده و بر حجم ثروتها به غارت رفته افزوده شده است. مجموعه این شرایط اقتصادی و سیاسی است که پس از

خواهد شد. با اعلام این تصمیم، روز ۱۲ ماه مه تمامی کارگران و کارکنان این بانک دست از کار کشیدند. روز ۲۷ مه نیز تمام کارگران و کارکنان بخش دولتی این کشور، به دعوت کنفرانسیون عمومی کارگران یونان GCLG دست به یک اعتراض عمومی یکروزه زندن. اعتراضیون در این روز در خیابانهای چندین شهر دست به راه پیمایی و تظاهرات زده، و در خیابانهای آتن، کارگران خشمگین با مامورین پلیس به زد و خورد پرداختند. در این روز تمام حمل و نقل شهری، مدارس، بناهای ادارات، پست، فرودگاهها و کلیه ادارات دولتی تعطیل شدند.

اعتراض کارگران شیلات در نایرویی

صدها تن از کارگران شیلات با خواست ۴۰ ساعت کار در هفته، یک ماه مرخصی سالانه و اضافه دستمزد، روز ۱۸ مه دست از کار کشیدند. کارگران در تجمع اعتراضی خود در Kisumu، همچنین نسبت به علم پرداخت دستمزد ایام بیماری اعتراض نمودند.

اعتراض کارگران به بیکاری در بزریل

بنبال تشیید بحران اقتصادی در بزریل و افزایش سراسام آور بیکاری در این کشور، روز ۲۰ مه بیش از ۱۵ هزار کارگر باریانی تظاهرات در پایتخت این کشور، دست به اعتراض زدند. در جریان این حرکت، پلیس ضد شورش با حمله به تظاهرکنندگان، دهها تن را مجروح ساخت. خواست کارگران، کار و بهبود شرایط کار است. لازم به ذکر است که تنها در سان پائولو - یکی از شهرهای بزرگ این کشور - نخ بیکاری به ۱۸۹ درصد رسیده و بیست و پنجمین بیش از ۱۵ میلیون تن بیکارند.

تداوی اعتراض معلنچیان در روسيه

همانگونه که در شماره های قبلی نشریه کار درج شده بود، اعتراض معلنچیان در روسيه در اعتراض به علم پرداخت دستمزدها همچنان ادامه دارد. در ۲۴ مه سال جاری، معلنچیان در سیبیری جهت تحقیق خواست خود به راه بننان در مسیر قطارهای این منطقه دست زدند و یکی از شاهراهی حمل و نقل این کشور را مسلوب نمودند. در نتیجه حرکت اعتراضی معلنچیان، تردد و حمل و نقل بیش از ۶۰۰ قطار حامل مواد خام مورد نیاز کارخانجات، مختل شد و شکل عالیتری از اعتراضات و حرکات کارگری به نمایش گذاشده شد.

طی سالهای اخیر با تشیید بحران اقتصادی در روسيه، اعتراض به علم پرداخت دستمزدهای موقه یکی از خواستهای کارگران و بالاخص معلنچیان می باشد.

شعری از فدائی شهید سعید سلطانپور

آرام آ مادرم، آرام

بگذار تا سپیده برآید

بگذار وا سپیده بیندند

پشت مرا به تیو

بگذار تا برآید آتش

بگذار تا ستاره شلیک

دیوانه وار بگذرد از کهکشان خون

خون شعله ور شود

بگذار باغ خون

برخاک تیوباران

پر پر شود

بگذار بذر «تیر»

چون جنگلی بروید در آفتاب خون

فرباد گر شود.

این بذرها به خاک نمی ماند

از قلب خاک می شکند چون برق

روی فلات میگذرد چون رعد

خون است و ماندگار است

تدارییر حکومتی در به تعویق افکنند استقرار دمکراتی و آزادی

است. بنا براین، این مسئله کاملاً روشن است که اگر نیمی وبا بیش از نیمی از زندانیان هم در رابطه با مواد مخدر به زندان افتاده باشند، این به هیچوجه از اهمیت قضیه نیکاکاحد و باز هم مسبب آن، یعنی مسبب حضور دهها هزار تن در زندانها، خود رژیم و حکومت اسلامی است. از این رو بسیار بعید است که ادعای رئیس قوه قضائیه و «در صدر» فرار داشتن حکومت اسلامی به «لحاظ مبارزه با مواد مخدر» حتی مصرف خارجی هم داشته باشد! با این همه اعتراف ناسبرده این خاصیت را دارد تا روشن کند که مسئله اعتیاد و مواد مخدر در زیر سایه حکومت اسلامی، چه ابعاد دردناک و فاجعه باری بخود گرفته است. ثالثاً سخنان یزدی لین نکته را نیز بار دیگر به اثبات میرساند که علیرغم «پاکسازی» ها و قتل عام زندانیان سیاسی، هنوز دهها هزار تن در زندانهای مخوف جمهوری اسلامی محبوس اند که بی هیچ شبه ای، شمار کثیری از آنان در زمرة زندانیان سیاسی هستند! موضوعی که اگر روزی هزار بار هم انکار شود کسی نه درمیان مردم ایران ونه درسطح بین المللی آن را باور نکرده و نمیکند!

نکته سوم : نکته بعدی این است که رئیس سازمان زندانها، در سخنان خوبی چنین مزده میهد که با بودجه ای که در سال جاری به سازمان زندانها اختصاص داده شده است، عنقریب مسئله کمبود زندان بر طرف خواهد شد! او میگوید «بودجه عمرانی سازمان زندانها در سال ۷۲، ۷۲ میلیاردو ۸۰۰ میلیون ریال بود، بودجه جاری سازمان زندانها در سال ۷۷ بیش از ۲۸۸ میلیارد ریال میبایشد!»

صرف نظر از این موضوع روشن و همیشگی که دست اندرکاران حکومت اسلامی در چانه زنی بسر اختصاص بودجه بیشتر به بخش های زیر نظر و تحت مسئولیت خود، همواره بنگر دزدیهای خود هستند و میخواهند رقم های درشت تری را بالا بکشند، این اعتراف رئیس سازمان زندانها شان میهد که جمهوری اسلامی برغم آنکه هرجانی را هم که ویران و خراب کرده و به تابودی کشانده است، الحق والانتصاف که هیچ گاه از «عمران» و آبادانی زندانها - و هچنین گورستانها - غافل نبوده وهم اکنون با اختصاص پول کافی و ۱۰۰ (صد) برابر کردن بودجه «عمرانی»! پنج سال قبل سازمان زندانها، درصد آن است که با اجرای ۴۳ (۴۳ طرح عمرانی) که «درست دارد» موضوع کمبود زندانها و مسئله تراکم پیش از حد زندانیان وغیره را بر طرف سازد و «فضای استاندارد» و «سرانه» ای را که دولت برای هر زندان تعیین کرده است تامین نماید!!

حقیقتاً که وقاحت حکومت اسلامی و گردانندگان آن را حد و مرزی نیست! حقیقتاً که این مترجمین و آدم کشان روی رژیم شاه و رژیم های فاشیستی را هم سفید کرده اند. اینان اگر بعلت ورشکستگی مالی و اقتصادی، بسیاری از طرح های تولیدی و عمرانی خود را، راکد گذاشته وبا آن را متوقف ساخته و بحال خود رها کرده اند و حتی در

وتکثیر زندانها، اگرچه بسیار روشن و گویا است، معهداً، رئیس سازمان زندانها نیز در چند جمله وبا ارانه آمار و ارقامی چند، سخنان همdest خوبی را تائید کرده و آن را بین شکل تکمیل میکند «فضای استانداری که سازمان برنامه و بودجه برای هر زندانی تعیین کرده است با آنچه که در حال حاضر وجود دارد فاصله زیادی دارد، آنچه که سازمان برنامه و بودجه اعلام کرده است، ۱۵ مترمربع برای هر زندانی است. در حال حاضر سرانه فضای نگهداری برای هر زندانی براساس آمار ۱۵۵ هزار نفر، ۶ مترو ۴۰ سانت و سرانه فضای اسکان برای هر زندانی ۲ متر و ۷۰ سانت است» (همان)

همانطور که ملاحظه میکنید رئیس سازمان زندانها نه فقط به وجود حاصل ۱۵۵ هزار زندانی در زندان های رژیم اعتراف میکند، بلکه من غیر مستقیم به شرایط بس و خیم زندانها بویژه آنچه که زندانیان سیاسی نگهداری میشنوند نیز اعتراف میکند و بالته که این، موضوعی نبود که تاکنون مخفی مانده باشد، ولو آنکه جانشین لاجوردی هم به آن اعتراف نمیکرد، خود زندانیان سیاسی بارها در حرکات اعتراضی و از جمله اعتصاب غذای چند ماه پیش خود، این موضوع و شرایط بسیار بد و نامناسب وغیر انسانی محیط زندانها را افشاء کرده اند.

نکته دوم : آخوند یزدی در ادامه سخنان خود در گردهم آنی مدلیان و مسئولین زندانها - بخوان زندانبانها - همچنین ادعا کرد که «در تمام زندانهای کشور بیش از نیمی از زندانیان زندانی مواد مخدر هستند، اگر چه کشورما از لحاظ مبارزه با مواد مخدر در صدر قرار دارد!؟

رئیس قوه قضائیه رژیم، با گفتن این موضوع که بیش از نیمی از زندانیان در رابطه با مواد مخدر به زندان افتاده اند، اول میخواهد وجود زندانیان سیاسی را از ریشه نفی و انکار کند یعنی همان کاری که تاکنون والتبه به عبث جمهوری اسلامی به آن مبادرت کرده است، و بعد هم حضور دهها هزار زندانی در زندانهای رژیم را موضوعی کم اهمیت جلوه دهد!

اولاً هر کس این موضوع را میداند که سر نخ اصلی جریاناتی که به بخش و توزیع کلان مواد مخدر میپردازند، درست خود عوامل وابسته به رژیم است که از همین طریق یعنی به قیمت معتاد کردن و بدینختی شمار زیادی از جوانان، سودهای هنگفتی را به جیب زده اند و میزندند. ثانیاً مردم این مسئله را خیلی خوب میدانند که مسبب اصلی اعتیاد و شیوع آن درین مردم و جوانان، خود نظام حاکم و جمهوری اسلامی است. حکومتی که میلیونها تن را به بیکاری و فقر و فلاکت کشانده است و میلیونها تن دیگر را بی آنکه هیچگونه آینده امید بخشی در چشم انداز آنها قرار داده و یا آن را تضمین کرده باشد، سرگردان ویلاتکلیف درمیان انبوهی از مشکلات و معضلات اقتصادی و اجتماعی رها ساخته

درگرد هم آئی سالانه «مدیران کل سازمان های زندان ها» مورخ دوازدهم اردیبهشت، آخوند یزدی رئیس قوه قضائیه و بختیاری جانشین لا جوری جلا و رئیس سازمان زندانها، نکاتی را پیرامون زندان و زندانی ها عنوان نمودند که هر کس ولو تاکنون هم رژیم جمهوری اسلامی را نشناخته باشد، به آسانی میتواند از خال آن، به ماهیت ارتقایی، ضد بشري و سرکوبگانه رژیم پي ببرد و جنبه هایی از مجموعه فجایعی که حکومت اسلامی برای مردم ببار آورده است را بوضوح مشاهده نماید. علاوه بر این، سخنان این مزدوران، در عین حال تدابیر حکومت اسلامی، دربرابر مبارزه گسترش یابنده و عطش توده مردم برای رسیدن به آزادی و رهایی را نیز نشان میبخشد.

نکته اول : رئیس قوه قضائیه درگفتار خود درین گرد هم آئی، اولاً به این نکته اعتراف کرد که زندانهای موجود، اعم از آنکه زمان شاه ساخته شد باشد و یا توسط حکومت اسلامی دستگیر و به زندان افکنده شده اند، دیگر کفایت نمیکند! او میگوید «در اینتا دستگیری پیروزی انقلاب اسلامی ساختن زندان ها منع شده بود و زندان ها فقط اجازه تعمیر داشتند. درسالهای اول فکر میکرند جمهوری اسلامی نباید زندان بسازد و همین زندانهای موجود کافی است. اما با گذشت زمان و افزایش جمعیت ... و افزایش زندانیان مواد مخدر، باعث شده که ما با کمبود فضای زندان مواجه شویم!» (سلام - ۱۳ اردیبهشت ۷۷).

پس طبق این اعترافات، منهای سالهای اول روی کار آمدن جمهوری اسلامی که رژیم به تعمیر و ترمیم همان زندانهای به ارث رسیده از زمان شاه اکتفا میکرده است و کمونیست ها و سایر انقلابیون و مخالفین خود را در همان زندانها و سلولهایی که رژیم سلطنتی آنها را محبوس میکرد، جبس وزندانی کرده است، سرکوبگان و مرتعجن حاکم مابقی دوره حکومت اسلامی را صرفاً به توسعه و تکمیل و اسلامیزه کردن زندانهای شاهنشاهی اکتفا نکرده، راه ها واماکن دیگری هم برای به جلس افتکنند مخالفین خود پیشا کرده اند. معهداً هم اکنون مسئله بسیار حاد شده موضوع به این صورت درآمده است که تراکم محبوبین آنقدر شدید و تعداد زندانیان برغم تیرباران دهها هزار تن از زندانیان سیاسی در طول دو دهه وقتل عام بیرحمانه آنها درسال ۶۷، آنقدر زیاد است که زندانهای موجود در تبریز و اصفهان و شیراز و مشهد و تهران و قصر وابین و گوهردشت و دهها وصدھا بازداشتگاه با نام وبا بی نام وشنan وابسته به نیروهای امنیتی وسپاه پاسداران وغیره هم برای نگهداری آنان کفایت نمیکند و رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی با مشکلی به نام «کمبود فضای زندان» مواجه شده است! لین سخنان آقای یزدی پیرامون تراکم بیش از حد زندانیان

این اظهارات فرمانده کل سپاه پاسداران درهمان حال که هدفش ترسانین مردم و آن دسته از جریانات سیاسی حول وحش رژیم است که علم مخالفت با جناح مسلط را بلند کرده اند، حاکی از عمق و زرفای بحرانی است که رژیم جمهوری اسلامی با آن روپرست بحرانی که همه را واشته پرده ها را کنار بزند و حرفاخ خود را صریح وی پرده بگیند. فرمانده کل سپاه پاسداران هم آشکارا میگوید که اگر بینیم اساس نظام اسلامی به خطر افتاده است وارد میدان میشویم.

فرمانده پیشین سپاه پاسداران و سازماندهی «نهضت فرهنگی»

رضائی فرمانده پیشین سپاه پاسداران و دیر کنونی مجمع تشخیص مصلحت، این روزها سخت مشغول است و در تکاپو، تا گویا سازماندهی «نهضتی» را که برآن نام «نهضت فرهنگی» نهاده است، آغاز کند.

از همان روزی که وی از فرماندهی سپاه پاسداران استعفا کرد، مکرر در مقابله ها و سخنرانی های خود به این نکته اشاره داشت که باید در عرصه فرهنگی دست به اقلام زد. اما توضیح نمیداد که منظورش از این کار فرهنگی چیست و کسی هم حرف او را جلى نمیگرفت، چرا که او نه از فرهنگ چیزی میداند و می فهمد و نه با فرهنگ سرو کار داشته و دارد که بتواند درین عرصه کاری بکند. اما اخیرا در گفتگوی با خبر گزاری جمهوری اسلامی، منظور خود را روشن تر بیان کرد و گفت: «باید درکشور به یک نهضت فرهنگی روی آوریم و تنها راه حل این بود که از سپاه بیرون آیم و در یک حرکت خود جوش مردمی و غیر دولتی . . . این کار را انجام دهم». «مرحله اول این «نهضت» کار شناسائی است که تاکنون به ۱۷ استان کشور سفر کرده ام و از تزییک با دانشجویان، استادان، فرهنگیان و نیروهای انقلاب بحث هایی را مطرح کرده ام . . . تاکنون از توانائی ها وضعف های فرهنگی جامعه اطلاعاتی جمع آوری کرده ام که کار شناسائی برای انجام این نهضت تا سه ماه آینده به اتمام خواهد رسید». پس تا اینجا روشن است که وی بعنوان یکی از مهره های اصلی سرکوبگر جمهوری اسلامی در تدارک سازماندهی ویجاد «نهضتی» گویا خودجوش و گویا غیر دولتی است که تاکنون بخشی از کار تارکاتی آن هم انجام گرفته است. این که این «نهضت» قرار است چه کاری بکند وبا چه هدفی سازماندهی میشود، آقای رضائی عجالتا چیزی نمیگوید، اما برآن نام «نهضت فرهنگی» نهاده است. معهذا از گفته های بعلی وی مشهود است که این «نهضت» در

ارهم درمانده است که این محل به مبانی اسلام را چگونه باید تعبیر کند و تشخیص دهد واز آنجائی که عقل اش به جائی نرسیده است، از شورای نگهبان یاری طلبیده است. او اخیرا در جمع گروهی از دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر گفت: «در قانون اساسی آمده است که تجمع در صورتی که محل مبانی اسلام نباشد، آزاد است. ولی عبارت «محل به اسلام» ابهام دارد که تفسیر این مورد را نیز از شورای نگهبان خواسته ایم» این است آن آزادی که خاتمی هنوز از آن سخن میگوید. مردم هم این را میدانند و میفهمند که هیچ امید و اعتمادی به خاتمی نباشد داشته باشند، بلکه باید با مبارزه و ابتکار خود، با سرنگونی حکومت به آزادی و دیگر مطالبات خود دست یابند.

خاتمی با دست خالی در . . .

خاتمی میگوید: خیر! این رای تا ابد به اعتبار خود باقی است و محور این نظام هم ولی قیمه است که همه باید به استبداد او گردن نهند. اما مستله به همین جا ختم نمیشود. خاتمی میگوید که این آزادی نباید محل مبانی اسلام باشد. این یعنی نفع تمام حرفهایی که او قبل از انتخابات زده بود. نفع حتی آزادی محدود برای طرفداران حکومت اسلامی. محل مبانی اسلام یعنی چه؟ یعنی اینکه جناح مخالف خاتمی تشخیص دهد که گرد هم آئی خود او در دانشگاه تهران و یا تشكیل دانشجویی طرفدار جناح او محل مبانی اسلام است و انصار حزب الله یا پلیس ضد شورش حق دارد آنرا برهم بزند. خاتمی این را حد و مرز «آزادی» میداند، اما گویا وزیر کشور

جناح رقیب خاتمی با تعریف گسترده تر وارد عمل شده است

خواست که در یک مجمع عام به گناهان و اشتباهات خود اعتراف کند. ماجراه بني صدر را به او یاد آورشد و تهدید کرد که بترسد از این که از خدا و مردم پس گردنی بخورد. تشکل های وابسته به این جناح نیز در مراکز و موسسات مختلف از جمله دانشگاهها گردیدم آثی هایی تشكیل دادند. جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار با صدور بیانیه ای به مراسم ۲ خداد اعتراض نمود. در این بیانیه گفته شد بنا به مصلحت هائی از بستن بازار و راهپیمائی خود داری گردد. این جناح کف زدن و سوت کشیدن طرفداران خاتمی را در اجتماع ۲ خداد پیراهن عثمان کرد و داد و فغان سرداد که ای مسلمانان، اسلام برباد رفت، در ماه محرم کف زدن و سوت کشیدن و حرمت ماه عزا را شکستند. آنها این عوامگری ها کوشیدند افزاد نا آگاه را به سمت خود بکشند. اینان نخستین حرکت خود را در پیگاه و مرکز اصلی جهل و خرافات و ارتاجع، درقم سازماندهی کردند و یک تظاهرات چندین هزار نفره براه انداختند که در پیشایش آنها گروهی کفن پوش راه میرفت. در مشهد هم تظاهرات راهپیمانی مشابهی بر پا گردند. در تهران پس از نیاز جمعه دست به تظاهرات و راهپیمانی زندن. ائمه جمعه در تمام شهرها، خاتمی و کلینه او را آشکارا مورد حمله قرار دادند. خزلی یکی از سران جناح رقیب خاتمی، سخنرانی شیلدهای علیه وی لیراد نمود. از او

سپاه پاسداران هم حرف آخر خود را میزنند

در این کشور از بین ببرد. لذا باید آن را از بین برد. صفوی ادامه داد و گفت که سپاه پاسداران آنها را شناسائی کرده «اما دست آنها را باز گذاشته تا گروه و روزنامه درست کنند.» (ولی ما سر بزندگاه به سراجشان میروم) «زماش که رسید، میوه را خواهیم چید.» «میوه را باید گذاشت تا برسد. الان آن میوه کمال است. خوب که رسید به دست شما بسیجی ها میچینیم.» و بالآخره در پایان گفت: «هنگانیکه بینیم اساس نظام و انقلاب در خطر است، بنا به تبلیغ رهبری فرزانه اقلاب و مصوبه شورای امنیت ملی، وارد میدان میشویم.»

رحیم صفوی فرمانده کل سپاه پاسداران که مدافعان پرو پا قرص حرف همیشگی سپاه در زدن سرها و بین زبانهای از اوضاع سیاسی موجود بشدت ناراضی است و کممان نمیکند که متصرف فرست مناسب برای پایان دادن به وضعیت موجود است. صفوی که پس از سخنرانی معروف در قلم ملتی آرام گرفته بود، بار دیگر در جمع گروهی از بسیجیان در مسجد دانشگاه تهران سخنرانی کرد. او این بار جریان خاتمی را مورد حمله قرارداد بلکه از جریان سومی سخن گفت که جمهوری اسلامی را تهیید میکند. وی تاکید نمود که این جریان سوم «میخواهد اساس دین را

تدابیر حکومتی در به تعویق . . .

بخش ساختمان هم خودشان از ده درصد رشد منفی صحبت میکنند، در عرض برای رونق بخشیدن و گم نگاهداشتمن بازار سرکوب و استبداد اسلامی، از هیچ کوششی فروگذار نکرده، حتی یک لحظه هم از سرکوب مخالفین و به بند کشیدن آزادیها غفلت نمیکنند و هیچ شرمی هم بخود راه نمیبینند که از «طرح های عمرانی» واختصاص بودجه بیشتر در زمینه ساختمان و احداث زندانها و افزایش تعادل زندانها صحبت کنند!

نقنه اساسی: واما نکته اساسی این است که سرکوب و حبس وزندان تاکی و تا کجا میتواند کارائی داشته باشد و جمهوری اسلامی تا کی میتواند با ادامه به این شیوه ها، با تکثیر زندانها و سرکوب وزندان و حبس بیشتر، حکومت اسلامی را که آخرین مرحله عمر خویش را میگذراند پرخواه نگاهدارد؟ آیا جمهوری اسلامی وزندانیان آن قادر خواهد بود همه ناراضیان، همه کارگران و زحمتکشان، وهمه انتقایلیون و مخالفین خود را در زندانهای موجود و زندانهای جدیشان جا بدھند؟ روشن است که جمهوری اسلامی قادر به چنین کاری نمیباشد.

جمهوری اسلامی که هم اکنون هم برای ایران به زندانی بزرگ تبدیل شده است ولو آنکه در داخل این زندان بزرگ دهها زندان دیگر هم بپا کند، قادر نخواهد بود خود را («ش») مبارزه کارگران و زحمتکشان و مبارزه توده مردم برای رسیدن به آزادی و دمکراسی خلاص کند. حقیقت آن است که تدبیر حکومت اسلامی دریه تعویق افکنن استقرار دمکراسی و آزادی کارائی خود را از دست داده است. دیواره زندان بزرگ، دیر زمانی است که شکاف برداشته است توده مردم، زنان و جوانان همگی تشنجه آزادی و دمکراسی اند. کارگران و زحمتکشان در جستجوی نان و آزادی اند و از این رژیم و تمام زندانهایش از بن جان متزجر و متفرقند. پس دور نیست زمانی که آنان به حرکت درآیند، متعدد و پراچه پیا خیزند، سلب کنندگان آزادیهای سیاسی را از قدرت سلب کنند، بساط حکومت اسلامی را بکلی برچینند، زندانیان سیاسی را آزاد، زندانها را برس زندانیان خراب کنند و بر ویرانه های جمهوری اسلامی، حکومت نوع نوینی را پایه ریزی کرده، آزادی و دمکراسی شورائی را مستقر سازند.

خلاف جریان منتشر شد

شماره ۱۲ نشریه خلاف جریان به زبان انگلیسی و شماره ۱۸ خلاف جریان به زبان فرانسه در آوریل ۱۹۹۸ منتشر شد.

مردم پیدا میکند. یعنی به بهانه مقابله با عملیات نظامی مجاهدین، بگیر و بیند را بیشتر میکند، به بهانه های واهی همکاری با مجاهدین، هر مخالفی را دستگیر و سرکوب میکند، جلو اقدامات اعتراضی کارگران را میگیرد. و خلاصه کلام با تشیید جو خلقان و سرکوب، لطمای سنگین به مردم و مبارزه آنها وارد خواهد آورد، اعتلاء و مبارزات توده مردم را که در تداوم خود میباید به سرنگونی رژیم از طریق قیام مسلحانه بیانجامد، عجالتا سد خواهد نمود.

بنا براین روش است که چرا این اقدامات مجاهدین به زیان توده مردم و مبارزات آنهاست و سرنگونی رژیم را که تنها با قیام مسلحانه توده ای امکان پذیر است به تاخیر می اندازد.

البته ناگفته نماند که مجاهدین خلق بعنوان یک نیروی ضد انقلابی در خارج شلن توده مردم از صحنه مبارزه مستقیم علیه رژیم ذینفع اند. آنها خوب میدانند که اگر کارگران و زحمتکشان ایران ابتکار عمل را بست بگیرند و رژیم را سرنگون کنند، دیگر جانی برای «تنها آترناتیو» آنها نیز وجود نخواهد داشت. لذا همواره کوشیده اند تا با بیرون کردن توده مردم از صحنه مبارزه، موجودیت خود را حفظ کنند و به انتظار شرایط پیشینند تا در غیاب توده ها قدرت را قبضه کنند.

اوج گیری جنبش توده ای در اندونزی و سقوط سوهارتلو

با اوج گیری جنبش اعتراضی کارگران، زحمتکشان و دانشجویان در اندونزی، سوهارتلو دیکاتور لین کشور پس از ۳۲ سال اعمال سرکوب و خلقان از قدرت به زیر کشیده شد. اگر چه عجالتا یکی دیگر از عوامل و مهدهای دستگاه سرکوب و کشتار در راس مایشین دولتی قرار گرفته، اما جنبش توده ای در بعد وسیع تداوم دارد.

اعتراضات میلیونی کارگران، زحمتکشان و دانشجویان در اقصی نقاط اندونزی علیه فقر و سرکوب در اوائل ماه مه سال جاری به نقطه اوج خود رسید. میلیونها تن پیاختستند. کارخانه ها، مراکز تولید و دانشگاهها به صحنه مبارزات وسیع تبدیل شدند. علاوه بر جاکارتا پایتخت اندونزی شهرهای صنعتی (بوکار)، (یاپوتاک) و (لامپیوگ) شاهد عظیم ترین تظاهرات بودند. میلیونها تن به میان آمد و یکپارچه خواهان برکناری سوهارتلو شلندند.

تشکلهای خود جوش توده ای حول بسیج و سازماندهی بیکاران و فقرا شکل گرفت. با گسترش تظاهرات خیابانی، نیروهای نظامی با شدت و حدت بیسابقه ای به سرکوب پرداختند. تنها طی یک روز بیش از صدها تن از تظاهرکنندگان توسط نیروهای نظامی کشته و هزاران دیگر برای تشیید سرکوب و مهار کردن جنبش توده

حقیقت امر نه «نهضتی» فرهنگی، حتی به تعییر اسلامی آن بلکه تشکیلاتی شبیه بسیج است و می باید جوانان درین نهضت سازماندهی شوند. لذا او میگوید (پس از اتمام مرحله شناسائی، یک برنامه و طرح مناسبی را برای بسیج جوانان درین نهضت فرهنگی ارائه خواهیم کرد).»

از این گفتار چنین برگزیده رژیم برای مقابله با بحران موجود و رشد مبارزات توده ها، بیکار نشسته و در تارک اجرای طرح های مختلف است که وظیفه یکی از آنها برعهده رضائی قرار گرفته است و آن سازماندهی دستگانی مزدور و سرکویگر در یک نهضت باصطلاح فرهنگی (خود جوش) است که ظاهرا مستقل از دولت می باشو می باید به نام «نهضت فرهنگی» وظیفه خود را در بحبوحه بحران موجود انجام دهد.

مجاهدین خلق

مانعی بر سر راه سرنگونی حکومت

روز ۱۲ خرداد، سازمان مجاهدین دست به یک رشته عملیات نظامی در تهران زد و طی سه عملیات جداگانه، دادستانی انقلاب اسلامی، ستاد مشترک سپاه پاسداران و سازمان صنایع نظامی را با بمب و خپاره مورد حمله قرار داد.

برغم یکنها این ارگانها و مراکز سرکوب رژیم جمهوری اسلامی، هدف عملیات نظامی مجاهدین بود، معهذا در اوضاع سیاسی کنونی ایران، این عملیات نظامی، اقداماتی زیتابار اند که به نفع رژیم ارتقا یافته جمهوری اسلامی خواهند بود و تاثیرات منفی بر مبارزات مردم ایران ورهای آنها از قید رژیم ستمگر جمهوری اسلامی بر جای میگذارند.

لین عملیات نظامی در شرایطی انجام گرفته است که شکاف درونی جناح های ارتقا یافته حکومت هر روز عمیق تر شده و مبارزه کارگران و زحمتکشان به سرعت اعتلاء می یابد و تاثیر منفی این عملیات در آن است که از یکسو مانع از عمیق تر شدن این شکاف میگردد و از سوی دیگر برس راه اعتلاء مبارزه توده مردم مانع ایجاد میکنند. این عملیات نظامی درین اوضاع میتوانند این نتیجه منفی را در پی داشته باشند که جناح های رقیب را به یکیگر تزدیک تر کنند و مانع از تعمیق بیشتر شکاف میان جناحها و دستگاه حکومتی گردند. در همین حال دست آوریزی برای تشیید سرکوب ببیشه توسط جناح سلطه هیئت حاکمه گردند. پر واضح است که در شرایطی که جنبش مستقل کارگران و زحمتکشان در حال اعتلاست و حتی این حقیقت بر بخشی از مردمی که به خاتمی متوجه بودند روش میگردد که او هم نه میخواهد و نه میتواند به مردم آزادی بینهد و مرتبعی است همانند دیگر جناح های حکومت، رژیم بهانه ای دیگر برای تشیید سرکوب و مهار کردن جنبش توده

یاد داشتهای سیاسی

خاتمی با دست خالی در گرد هم آئی ۲ خرداد

به آدرس‌های جدیدسازمان توجه کنید!

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان
را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

محمد خاتمی رئیس جمهور حکومت اسلامی، روز ۲ خرداد به مناسبت سالروز پیروزی اش در انتخابات ریاست جمهوری، در جمع هواداران خود در دانشگاه تهران سخنرانی کرد.

برغم تبلیغاتی که گروههای طرفدار وی در ایران و بلندگوهای فارسی زبان بین المللی در مورد گرد هم آئی سخنرانی وی برآ انتاختند، معهداً تعادل کسانی که در مراسم ۲ خرداد دانشگاه تهران شرکت نمودند، فوق العاده محلود بود و اغلب آنها را طرفداران گروه انتلافی وی تشکیل می‌دادند. توده مردم از این مراسم استقبال نکردند.

قرار بود در این مراسم، خاتمی کارنامه یکساله خود را ارائه دهد، اما چیزی که در سراسر سخنرانی او وجود نداشت همین موضوع بود. او در مورد هر مسئله ای سخن گفت ویار دیگر بر سرعته هایش عهد و بیمان بست، اما بالاخره نگفت که در عرض همین یکسال چه کرده است؟ درواقع او چیزی برای گفتن نداشت. چه بگوید؟ از بیهود اوضاع اقتصادی و بپهود وضعیت مادی و معیشتی مردم بگوید؟ آنچه که عکس آن اتفاق افتاده است؟ یا از برقراری آزادی سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم؟ یک سال از دوران ریاست جمهوری وی گذشت، اما نمی‌گوییم از مخالفین حکومت بلکه حتی یک گروه داشجوئی طرفدار او هنوز نمیتواند یک میتینگ برگزار کند واز حمله چماقلاران حزب الهی و سرکوب کماندوهای پلیس درمان باشد. او توانسته آزادی سیاسی محقر و محلود را برای گروههای طرفدار خود و منانع حکومت اسلامی تأمین کند. هنوز به هیچ گروه و دسته‌ای حتی از میان طرفداران و مدافعان

صفحه ۱۴

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب
بانکی زیر واریز ورسید آنرا به همراه کدمورد
نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایند.

I.W.A.
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹-۶۹-۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

info@fadaii-minority.org <http://www.fadaii-minority.org>



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 314 juni1998

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

هلند

Sepehry
Postlagernd 4018 Basel
Switzerland

سوئیس

I . S . F
Postbox 50057
10405 Stockholm
Sweden

سوئد

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

دانمارک

I . S . V . W
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

اطویش

A . A . A .
MBE 265
23, rue Lecourbe
75015 Paris
France

فرانسه